

دومان

سال سوم / شماره ۶ / فروردین ۱۳۹۰

دوماهنامه ی فرهنگی، هنری، اجتماعی



INDUKTI

آتریا از کمدی الهی دانته میگوید
مصاحبه اختصاصی با بند دث متال مرداب
جایی که انسابل هر سبک شکسته می شود! Orphaned Land Part II
با استقامت و مبارزه Turisas

سردبیر و صاحب امتیاز

وهومن ع.ظ
روابط عمومی
ایو (EVE)
با سپاس از
مرداب، 5grs
Indukti

گروه نگارش دیوان

وهومن ع.ظ
سعید بن. (Hated)
علیرضا ش.
سامان ح. (TRN)
علی س. (Atour)
پوریا ب.
فرزانه ا.
آزموداموس گ.

وبسایت

www.DivanMagazine.com

ایمیل

Editorial@Divanmagazine.com

ایمیل سردبیر

Vahumanaaz@Divanmagazine.com

در سال ۱۳۹۰ با آغاز نمودن سومین سال فعالیت مجله ی دیوان، ششمین شماره ی این مجله نیز منتشر شد. ما در این سال برنامه های فراوانی را برای پیشرفت این مجله و گروه های این عرصه موسیقی در نظر داریم که امیدواریم با استقبال خوبی از طرف بند های این سبک روبه رو گردد تا بتوانیم بهتر و سریع تر نقاط ضعف و کمبود های جانبی که مانع از پیشرفت و مطرح گشتن بند ها در بین متال های ایرانی و عرصه ی موسیقی متال و راک جهانی میگردد را بهبود بخشیم. ما را در راه حمایت از این موسیقی در ایران همراهی کنید.

امیدوارم این مجله در آینده با ثبات و اعتبار بیشتری به فعالیت خود ادامه دهد و به عنوان اولین مجله موسیقی متال و راک ایران روز به روز به تکامل خود نزدیکتر گردد.

با سپاس بسیار از حامیان و خوانندگان مجله دیوان

وهومن ع.ظ



هر نوشته نهان دارد و پانگه عقیده ی نویسنده ی آن است. در شان شماست هر مطلبی را از دیوان با ذکر مأخذ و نام نویسنده ذکر نمایید.

قابل توجه موسیقیایان و مورسین های گرامی دوماهنامه ی دیوان تنها از طریق ایمیل های درج شده در مجله و وبسایت مجله با شما ارتباط برقرار خواهد نمود. هیچ کس با نام یا از طرف افراد یا مدیران دوماهنامه ی دیوان با شما تماس نخواهد گرفت.

DIVAN



معرفی

ماورا، هادی پاکزاد، آلیاژ

۳

نقد و بررسی

آتریا از کمدی الهی دانت میگوید

۶

مصاحبه

مرداب، 5 گرمز

۷



معرفی

Swallow the sun

Shape of despair

Gary Moor

۲۱

نقد و بررسی

جایی که انسامبل هر سبک شکسته می شود!

(Orphaned Land Part II)

Bleak Silver Streams

(Lethian Dreams)

با استقامت و مبارزه

(Turisas)

۲۴

مصاحبه

Indukti

۳۱

وقایع اخیر

۳۵

تجارب



DIVAN

THE FIRST EXCLUSIVE ROCK AND METAL MAGAZINE IN IRAN

WWW.DIVANMAGAZINE.COM

موسیقی ایران

MUSIC IN IRAN
ROCK & METAL

MORDAB
AN INTERVIEW DIVAN
WITH MORDAB

سال 1380، فرهود قدیری، آهنگساز- تنظیم کننده- نوازنده کیبورد و سینتی سائزر، گروه موسیقی پروگرسو راک ماورا MAVARA را تشکیل داد. گروه از ابتدا قطعه های خود را می ساخت و اجرا می کرد. از سال 80 الی 82 شایان کفشی، نوازنده گیتار الکتریک، آرش معدنی، خواننده، بابک سالک مهدی و آرش جمالی، نوازندگان گیتار بیس، پژمان نعمتیان، درامر، و فرهود قدیری، نوازنده کیبورد، در این گروه فعالیت می کردند. در همان دوره گروه قطعه ای را به نام پرواز کن ساخت که از رادیو محلی پخش گردید.

گروه ماورا دو کنسرت در کرج اجرا کرد. کنسرت اول، بهار 82، در سالن چمران و کنسرت دوم به نام گردش دوران راه که نام آن برگرفته از کتاب رباعیات خیام اثر صادق هدایت بود، تابستان همان سال در سینما ساویر گوهردشت به اجرا گذاشت. پاییز 82 آرش معدنی از گروه جدا شد و اشکان حامدی خواننده جایگزین شد.

گروه قطعه ای به نام برنام بلند آسمان را برای شرکت در مسابقه اینترنتی TEHRAN AVENUE ضبط کرد و در آن وب سایت قرار داد. تابستان 83 شایان کفشی و بابک سالک مهدی از گروه جدا شدند و جای خود را به ارسلان پرویزی، نوازنده گیتار بیس، و سامان سعیدی، نوازنده گیتار الکتریک، دادند.

خرداد 84، گروه در فستیوال موسیقی دانشگاه علم و صنعت که در سه بخش پاپ، راک و سنتی برگزار شد، رتبه اول بخش راک را به نام خود ثبت کرد. دو ماه بعد ماورا کنسرت افلاک را در تهران اجرا کرد. پاییز همان سال، برای دومین بار در مسابقه اینترنتی TEHRAN AVENUE شرکت کرد و قطعه صدایی از ماورا را در وب سایت قرار داد.

سال 84، گروه اقدام به ضبط آلبوم اول خود به نام صدایی از ماورا، ULTIMATE SOUND کرد. ضبط آلبوم خیلی سریع و طی شش ماه، به علت مهاجرت سامان سعیدی به آمریکا، به پایان رسید.

سال 85، بعد از مهاجرت سامان سعیدی، امیر فلاح به عنوان نوازنده گیتار الکتریک وارد گروه شد و ماورا کنسرتی مشترک با گروه آوار در تهران برگزار کرد.

اوایل سال 86، گروه توانست آلبوم صدایی از ماورا را به صورت محدود در ایران پخش کند و فرهود قدیری برای معرفی این آلبوم، مصاحبه ای با سایت زیر زمین انجام داد. در اواخر سال ارسلان پرویزی از گروه جدا شد و سینا خدایی فر به عنوان نوازنده گیتار بیس به گروه ملحق شد.

ماورا تک آهنگ / SINGLE TRACK به نام آن دم تویی را ضبط و برای DOWNLOAD در سایت خود قرار داد که مورد توجه بسیاری واقع شد.

سال 87، به دلیل اینکه ماورا نیاز به فضا های بیشتری در کار داشت، از انیس اویسی به عنوان نوازنده کیبورد دعوت به همکاری کرد. امیر فلاح و پژمان نعمتیان به علت خستگی از تمرینات متعدد و برگرداندن اشعار به انگلیسی گروه را ترک کردند. ماورا از آرش رادان (پژواک) نوازنده گیتار الکتریک دعوت کرد و شاهین عفتیان به عنوان درامر مهمان، عضو گروه شد.

سال 87، ماورا آغاز به ضبط آلبوم دوم خود با نام درون گمشده / FORGOTTEN INSIDE با اشعاری انگلیسی کرد. میلاد قاضی زاده به عنوان درامر وارد گروه شد.

سال 88، ماورا ویدئو کلیپی به نام SOME-THING IS LOST را تهیه کرد و کنسرتی خصوصی در تهران اجرا کرد، تا آلبوم جدید خود را معرفی کند. میلاد قاضی زاده بعد از این اجرا از گروه جدا شد.

تابستان سال 89، ماورا در کشور فرانسه توری گذاشت و همزمان با آن در فستیوال بین المللی پروگرسو راک، به نام CRESCENDO در جنوب فرانسه شرکت کرد. گروه از طرف دیگر توانست آلبوم درون گمشده / FORGOTTEN INSIDE را در فرانسه عرضه کند. در همان تور ماورا با دو رادیو محلی، مجله KOIND، روزنامه معتبر SUDOUEST و وب سایت PRO-GRESSIVE AREA مصاحبه کرد. محمد مرادی درامر مهمان (MAD CITY) گروه را در فرانسه یاری کرد.

ماورا در پاییز همین سال آلبوم درون گمشده را در ایران توسط نشر پالا پال منتشر کرد. گروه ماورا در حال حاضر مشغول آماده و ضبط کردن آلبوم سوم خود به نام هنگام رستگاری / SEASON OF SALVATION است.

صورت دیجیتال در iTunes قرار گرفت. این آلبوم متشکل از ۳ آهنگ با شعر فارسی و ۶ آهنگ به زبان انگلیسی و ۱ آهنگ instru-mental بود و گروه پس از این آلبوم یک آلبوم متال دیگر به نام Black Destiny ساخت که موفق به ضبط آن نشد. آلباژ همچنان ۳ ویدیو کلیپ از آلبوم اسکار به نام های Paper Moon (با کارگردانی محمد تندھوش)، Dead Eye و Fear (با کارگردانی محمد اکبران) ساخته است. در سال ۲۰۱۰ آلباژ برای ادامه فعالیت خود به کشور مالزی مهاجرت کرد که میثم ذاکر حسین موفق به خروج از کشور و همراهی گروه نشد. بعد از آلبوم Scar آلباژ سبک خود را به راک تغییر داد و پس از تلاش بسیار در سال های اخیر موفق به ساخت سه آلبوم جدید شد که هم اکنون در تدارک ضبط این آلبوم ها و همچنین تدارک برگزاری کنسرت در کشور مالزی می باشد.

آلباژ با گرد هم آمدن محمد اکبران (نوازنده گیتار الکتریک، خواننده و آهنگساز)، وحید کریم پور (نوازنده کیبورد و پیانیست) و پیام اکبران (نوازنده گیتار الکتریک) در سال ۲۰۰۱ آغاز به کار کرد.

پس از دو سال میثم ذاکر حسین (نوازنده بیس) به گروه ملحق شد و پیام اکبران از گروه کناره گیری کرد.

آلباژ با ساخت قطعاتی کنسرت خود را در سال ۲۰۰۵ علیرغم سخت گیری های بسیار و سنگ اندازی های مسئولین مربوطه و بدون اجازه تبلیغات به مدت سه شب در تالار احسان شیراز برگزار کرد که پس از این کنسرت دیگر موفق به دریافت اجازه برگزاری کنسرت نشد و فعالیت خود را به شکل زیرزمینی ادامه داد.

آلباژ برای ضبط آلبوم جدید خود به نام اسکار (Scar) با مشکلات بسیاری مواجه بود که در نهایت این آلبوم در استودیوی خانگی با چندین سال تأخیر (۲۰۰۷) ضبط و در سال ۲۰۰۸ به



۸۸ منتشر کرد که طرفدارانش ۸۵۰۰۰ کپی را از طریق اینترنت دانلود کردند. او همچنین دو ویدیو کلیپ برای آهنگ های آخرین آلبومش، "What About Me" و "Earth" ساخت.

در سال ۸۹ هادی آلبومی با نام "FOR 4" منتشر کرد.

در حال حاضر او مشغول ساختن چند ویدیو کلیپ دیگر و همچنین کار بر روی آلبوم بعدی خود است. او در وبلاگ خود نیز یک داستان را، با نام "اهالی ۹"، منتشر کرد. هادی همچنین در حال ساختن فیلمی برگرفته از زندگی اش، با تهیه کنندگی خودش است.

خواننده گروه DEEP PURPLE و همچنین BRIAN ADAMS از شخصیت های محبوبش در این هنر هستند. بیشتر اشعار او در قالب بازی های کوتاه و مبهم قابل تصورند.

مهمترین مشخصه هادی، اصرار او بر خواندن اشعار خودش است. تکنیک متمایز هادی در این است که هر قطعه را فقط یک بار می خواند. او معتقد است تکرار قطعه ای از شعر یا استفاده از دستگاه های الکتریکی به منظور ارتقای کیفیت، از تاثیر مورد نظر بر شنونده میکاهد. در واقع هادی خواستار این است که طرفدارانش تا حد ممکن تحت تاثیر صدای او باشند.

از آخرین ساخته های هادی ۴ ترک و ویدئو کلیپ THE GUN میباشد، که از طریق اینترنت میتوان دانلود کرد. او در آلبومی که نودیش را داده از چند شعر انگلیسی نیز استفاده خواهد کرد.

۸۶ منتشر کرد. در عرض چند روز، آلبوم او ۱۸ گیگابایت دانلود داشت. ویدیو کلیپ او نیز، با نام "Daryad"، از شبکه های مختلف موسیقی پخش شد.

یکی از بارزترین مشخصه های هادی سخاوت و دست و دلبازی اوست. او عواید حاصل از فروش کارهای هنری اش را صرف امور خیریه می کرد. هادی در مصاحبه با شبکه اروپایی «رادیو زمانه» دلیل عدم تمایلش به حضور در بازار مجاز موسیقی را مسئله انتخاب دانست. او گفت: "در شبکه زیرزمینی خودم میتوانم شنوندگانم را انتخاب کنم، این در حالی است که در سیستم رسمی و قانونی کشور فقط انتخاب میشوم."

او در یکی از کنسرت هایش با موسیقیدانی جوان و با استعداد، به نام مسعود فیاض زاده، آشنا شد. آنها با همکاری هم توانستند قطعاتی استثنائی تولید کنند. برای مدتی، تنها کاری که هادی می کرد انتخاب تم موسیقی بود و بقیه کارها را مسعود جلو میبرد.

در سال ۸۷ آلبوم سوم با نام "Doctor" با آهنگسازی مسعود و اشعار هادی منتشر شد. آنها آلبوم را در عرض یک ماه منتشر کردند. او گفت: "در پی کارگردانی ویدئو کلیپ هستم." او همچنین افزود: "پس از انتشار آلبوم "Doctor" قصد دارم برای بهتر نشان دادن تصاویر و بازی های مورد علاقه ام کارگردانی تهیه کنندگی چند ویدیو کلیپ را به عهده بگیرم." "LIVING UNDER GROUND" را در مرداد سپس او آلبوم دیگری با نام Plato را در سال

هادی پاکزاد از اولین خواننده های ایران است، که آهنگسازی در سبک ALTERNATIVE ROCK را آغاز کرد.

او آذر ۱۳۶۰ در شهر مشهد متولد شد. هادی فارق التحصیل کارشناسی مهندسی عمران از دانشگاه مشهد است. او نزد کیوان علایی هارمونی موسیقی را آموخت. ناصر توفیقی نیز پیانو و گیتار را به او آموزش داد. هادی پیش از فراگیری موسیقی و نواختن، به سرودن اشعار کلاسیک و همچنین نوشتن مقالات فلسفی علاقمند بود.

در سال ۸۰ او پس از کسب مهارت در نواختن پیانو و گیتار، شروع به تهیه اولین آلبومش در استودیوی خانگی کرد، برخی از موزیسین های اهل مشهد او را در این آلبوم همراهی کردند. اشعار هادی الهام بخش تک تک شعرهای این آلبوم بودند. او به خاطر ضعف فرهنگی، اولین آلبوم خود با نام "FEAR LAND" را فقط در مهمانی ها پخش کرد. خیلی زود، سبک متفاوتش ایرانی های داخل و خارج کشور را جذب کرد. سپس با همکاری طرفداران، او چندین کنسرت زیرزمینی را در تهران و چند شهر بزرگ دیگر برگزار کرد. هادی که با حمایت و پسند طرفدارانش روبرو شده بود، همراه گروه حرفه ای اش در موسیقی ضبط آلبومش را با استفاده از تجهیزات کامل استودیو در تهران آغاز کرد. او همچنین تصمیم گرفت تا در وب سایت خودش این آلبوم را تبلیغ و توزیع کند.

در سال ۸۵ هادی رسماً دو کنسرت بزرگ را در مشهد برگزار کرد. سپس آلبوم بعدی خود با نام



آلبوم Sound Of Atria در سال 2010 پخش شد که یکی از موفق ترین آلبومهای متال ایران در سال گذشته به شمار می رود که با توجه به دارا بودن حجم صدایی بالا با Quality بسیار خوبی عرضه شد، همچنین تنوع سبکی بسیار بالای آن موجب جذب شدن طرفداران سبکهای مختلف و همچنین باعث غیر یکتا بودن آلبوم Sound Of Atria می شود، می توان گفت تا به حال در کشورمان آلبومی با این تنوع سبکی بالا با رعایت پیوستگی کلی آلبوم به این صورت مشاهده نشده بود، سبک کلی آلبوم، تلفیقیست از ملودیک دث و پراگرسو متال که در قسمتهای مختلف سبکهای دیگری از جمله ترش متال و سیمفونیک بلک متال با سبک کلی آلبوم تلفیق می شوند، همچنین فضای ارکسترال بر تمام آلبوم حاکم است، همینطور بی کلام بودن این اثر باعث موسیقی محور بودن هرچه بیشتر آن و در نتیجه بالاتر رفتن ارزش موسیقی آلبوم Sound Of Atria شده است، حسن کلی آلبوم بر اساس کتاب معروف "کمدی الهی دانته" شکل گرفته که عکس کاور آلبوم هم بیانگر همین موضوع است.

این آلبوم از 8 ترک تشکیل شده که ترک اول و آخر به عنوان Intro و Ooutro قرار گرفته اند، البته کمی بعد از انتشار آلبوم یک Bonus track به آلبوم اضافه شد که همان ترک Death Color به صورت کاملاً ارکسترال بود، ترک اول یا همان اینترو Intro-duction Of Purgatory نام دارد، این ترک با ریتم گیتار شروع شده و در اواسط سولو به آن می پیوندد و با زمان 1 دقیقه به پایان رسیده و شروع آلبوم را آغاز می کند.

ترک دوم Rain In Hell: با ریفی سریع آغاز شده و پس چندین بار تعویض ریتم در اواسط ترک ویولون بر روی ریتم اصلی شروع به نواختن می کند و پس از طی کردن حالت صعودی سولوی سریع و زیبایی آهنگ به همراه چند سونپ بسیار سریع به آن اضافه شده و سپس سولو با ریتم آهنگ، هم ریتم شده و ترک به پایان می رسد.

ترک سوم Death Color: ترکی بسیار ملودیک و زیبا در سبک ملودیک دث متال که با صدای آرام ویولون آغاز شده و سپس ریتم سریع آهنگ به آن اضافه می شود و صدای ویولون با همان حالت آرام به پیش زمینه ریتم سریع آهنگ می رود، از نکاتی که این ترک را هرچه زیباتر و مورد پسند تر می کند می توان به ریتمها و ریفهای بسیار زیبای آن و هماهنگی حسی سولو با ریتم آهنگ اشاره کرد، گویا در این ترک، سولو مانند یک هدایت گر جریان کلی و جهت دادن به ریتم آهنگ عمل کرده و پس از آن ادامه جریان را به صدای ویولون برای انجام این وظیفه واگذار می کند.

ترک چهارم Rising From Atria: ترک چهارم فضای متفاوت تری نسبت به تم کلی آلبوم دارد که به گفته آهنگساز (شهاب خرمی) این ترک اولین ترک ساخته شده توسط گروه بوده است که در سال 2008 و با تمایل بیشتری به سبک ترش متال ساخته شده، نکته جالب این ترک این است که از دقیقه 3:30 پس از چند آریژ، ریفهای ابتدای آهنگ به صورت برعکس تکرار می شوند و ترک به پایان می رسد.

ترک پنجم When Heaven Burns: یک ترک کاملاً پراگرسو در یک فضای کاملاً جدید و زیبا است که در چند مرحله شنونده را غافلگیر می کند، این ترک ابتدا با حسی سنگین و آمیخته با ترس آغاز شده و تا دقیقه 1 ادامه پیدا می کند، در دقیقه 1 فضای آهنگ تغییر کرده و با صدای کلین گیتار آغاز می شود و پس از چند ثانیه یک سولوی زیبای بلوز به آن اضافه می شود که با وجود حس بلوزی که کاملاً آشکار است هیچ ضربه ای به کلیت ترک نمی زند، در دقیقه دوم آهنگ، سبک آهنگ به ترش متال منحرف شده و در پایان به سبک هوی متال نزدیک می شود که این تغییرات سبکی به جذابیت و مقبول کردن بیشتر این ترک می افزاید، سپس در اواخر ترک When Heaven Burns، آهنگ با هارمونی بسیار جالبی از کنترا پوآن به وسیله صدای چهار گیتار به صورت بسیار زیبا و تکنیکی ای (در استفاده از این نوع هارمونی) به پایان می رسد که در این قسمت شنونده می تواند به دارا بودن علم آهنگسازی قوی گروه، علاوه بر نوازندگی پی ببرد.

ترک ششم Sound Of Atria: که به اسم آلبوم هست به عنوان ترک ششم قرار دارد که با استقبال بسیار خوبی مخصوصاً از طرف مخاطبان تکنیک پسند مواجه شد، این ترک در سبک تکنیکال دث و از ریفهای تکنیکی و سرعتی و همچنین سولو ای سریع ساخته شده است و همچنین تغییرات ریتمیک سریع و جالبی را به همراه چند تریوله بسیار سریع در این ترک مشاهده می کنیم.

ترک هفتم Shadow Of a Soul: یکی از ترکهای جالب این آلبوم، ترک هفتم Shadow Of a Soul است که سبک آن تمایل زیادی به دث/بلک متال دارد، این ترک با توالی ریتمهای دو گیتار شروع شده، ترک Shadow Of a Soul با صدای هارپ به پایان می رسد، از جمله خلاقیت هایی که در آلبوم Sound Of Atria شاهد آن هستیم همین قسمت پایانی این ترک است که با این ساز و به این شکل به پایان می رسد، در این ترک صدای هارپ را با شیوه نوازندگی جدیدی به نسبت نوع نواختن معمول این ساز می شنویم که تا حد زیادی با حس و سرعت سبک متال و همچنین این ترک یک رنگ شده، همینطور حس و فرم بارانی شکل انتهای ترک Shadow Of a Soul اتصال است به ترک بعدی آن، یعنی ترک آخر که Endless Rain (باران بی پایان) نام دارد، ترک آخر Endless Rain: و در ترک پایانی آلبوم، پس از عبور از فضاهایی سنگین و در قسمتهایی ترس آلود، به ترکی فوق العاده احساسی و آرامش بخش در غالب ترکی کاملاً سولو می رسم که به صورت جدیدی و بهترین و زیباترین شکل ممکن به اثر Sound Of Atria خاتمه می دهد.

مصاحبه اختصاصی

DIVAN

با بند ترش متال

5grs

5grs یکی از گروه‌های Heavy Metal/Trash Metal ایرانی است که در سال ۱۳۸۳ در تهران توسط پویان مددی نوازنده و آهنگساز اصلی گروه شکل گرفت و به عنوان اولین گروه Metal در ایران که از Female Lead Vocal استفاده می‌کند شناخته شد. این گروه در ابتدا با حضور پویان مددی Electric Guitar، مزدک صادقی Electric Guitar، نوید نعیمی Bass Guitar، امید شاهی‌فخز Drums و آرش به عنوان Vocal تمرینات خود را با هدف اجرای قطعاتی از گروه‌های Grunge مانند Alice in Chains و Pearl Jam ، Audio Slave آغاز کردند. در این شماره گفت و گویی با پویان مددی خواهیم داشت تا آنچه که از این بند باید دانست را از زبان او بشنویم.

D یک بیوگرافی مختصر از خودت و AGRS برای خواننده ها بگو ؟

پویان مددی هستم گیتاریست و آهنگساز AGRS، تقریباً ۱۴-۱۳ ساله گیتار می زنم، اولش گیتار کلاسیک شروع کردم پیش مهرداد پاکباز، بعدش مهرداد رفت اتریش و یک مدت ساز نزد و بعدش شروع کردم به الکتریک زدن، AGRS هم فکر می کنم اواخر تابستان ۸۳ بود که با یکسری از بچه ها دور هم جمع شدیم، من و مزدک صادقی گیتار، نوید نعیمایس، درامر اولمون امید شاهی فخر بود که عوض شد و شاهین عفتیان به جاش اومد، و بعد آیدین اضافه شد و وکالمون اون موقع آرش بود، دور هم جمع شدیم برای زدن یکسری کارهای گرانچ مثل Audio-slave، ۱۰ شهریور ۸۴ در سالن ترانه معروف که همه پندهای ایرانی اونجا کنسرت می داشتند اجرا کردیم، بعد از اون آرش رفت و من و مزدک ۲ تا ترک کار کردیم، هادی کیانی به عنوان وکال به همراه شاهین به گروه اومدن و درامر از بند رفت، چنتا ترک کار کردیم با چنتا کاور از iron maiden و bruce Dickinson و دوباره طبق داستان معمول ایران دیدیم نتیجه درستی نمی گیریم چون هماهنگی نبود

من شاگرد آرش رادان هستم برای گیتار الکتریک، یک روز برای نهار رفته بودم پیش آرش، یک شاگرد داشت به نام خانوم صنم ۵۰۴۹، من اون موقع هیچ قصدی نداشتم و نمی دونستم که ادامه بدم یا نه، اون خانوم برای گیتار اومده بود ولی خودش خواننده بود و تدریس می کرد، من ۲ جلسه به عنوان شاگرد وکال با خانوم ۵۰۴۹ کار کردم و جلسه دوم یکی از ترکهای آلبوم اولمون Run away رو براشون گذاشتم و یک لیریک براش گفتم و استارت آلبوم اول بدون هیچ برنامه ریزی جدی ای خورد، آلبوم اول رو رکورد کردیم و بعد به ارمنستان برای لایو رفتیم و بعد وقتی اومدیم من آلبوم lets crush رو شروع کردم و این بار درامر برای آلبوم آوردیم، چون آلبوم اول سمیل بود و بیس رو هم خودم زده بودم، در آلبوم جدید محمد جلاچی برای بیس اومد و شاهین عفتیان هم درامر و الان در مرحله تولیدش هستیم.

D Access Denied می خواد به شنونده چه مفهومی رو برسونه ؟

راستش خیلی از این نظر روی این آلبوم فکر نکردیم، چون تجربه اول بود و هدف اصلیم این بود که یک کاری رو که از اول مشخص شده بتونم تمومش کنم، چون در ایران کارهایی که شروع می شه در ابتدا خیلی انرژی هست ولی بعد به دلیل اینکه مشکلاتی که در ایران هست سرد می شن و با مشکلات که برخورد می کنن کم کم سرد می شن، اصلاً اون موقع ایده ای نداشتم که این آلبوم رو شروع کنم، ولی از بابت کانسپت موزیکیش بخوام بگم، سعی کردم ایده برداری ای از بندهایی که تحت تاثیرشون هستم بکنم مثل مگادث، ولی نه دقیقاً همون اون، سعی کردم یک تست پویانی هم درش باشه، در مورد لیریکهای آلبوم هم می شه گفت مسائل خیلی کلی اجتماعی که بدهای تاریکش رو نشون می ده هستش.

D از کنسرت ارمنستان تعریف کن، چه تجربه های جالبی از اون کنسرت به دست آوردید ؟

تا الان بعد از لایو مگادث و آبرون میدنی که رفتم بزرگترین تجربه زندگیم بود، بزرگترین حسنش هم این بود که استیج آزاد بود و می تونستی یک استیج آزاد رو تجربه کنی، دقیقاً تفاوت اصلی ای که ایران با تمام دنیا داره این هستش، ایران اگر بتونی بری روی استیج می گن آروم باش، این کارو بکن، اون کارو

نکن، تکون نخور، می باید بیشتر آروم باشی ولی اونجا برعکس، باید آروم نباشی که اجرا جذاب بشه، داستان کاملاً یک قضیه واقعی بود ولی می دونی اینجا هیچ چیزش واقعی نبود، از اینکه ملت بیان دست به سینه بشینن، بدون وکال، همه خاله و دایی و گل و بته می گیرن دستشون میان کنسرت، اینا هیچ کدوم در هیچ جای دنیا اتفاق تمیفته چون اصلاً کانسپت این جور کنسرت متفاوت، از اول هم با ساپورت خوبی ما رو بردن اونجا و هم تجربه خیلی خوبی بود و هم فان خیلی خوبی بود، در کل خیلی خوب بود.

D برای یه بندی که تمایل به شناخته شدن داره، داشتن اجراهای زنده چقدر می تونه به پخته شدن گروه و ارائه دادن کارهای بهتر کمک کنه ؟

اجرای زنده برای پخته شدن گروه مثل آتیش برای پختن غذا می مونه، چون اصلاً به بند چی کار داره که بکنه، می شینن دور هم ساز می زنن، یا کاور یا کارای خودشون رو می زنن، کاراشون رو سی دی می کنن و بعد می رن کاراشون رو اجرا می کنن و بسته بزرگ و

کوچیک بودن بند چنتا مصاحبه و تلوزیون هم می رن، کار رو ضبط می کنی و توی اطاقت یا توی استدیو اجرا می کنی پس مخاطب کجا کارت رو بشنوه، یعنی اجرای زنده مرحله نهائی جا افتادن یک بند هستش و هرچه بیشتر باشه می تونی کاری رو که نشستنی تو خونه انجام دادیو هرچی بیشتر به نمایش بذاری و هر روزی که آدم می ره روی استیج یک اتفاق جدیدی میفته و یک تجربه جدیدی به دست میاری و انرژی ای که بین مخاطب و آرتیست جریان داره حالا چه گوجه فرنگی بهت پرت کنن چه دست بززن خودش خیلی می تونه کمک بکنه، ولی خب متأسفانه اینجا این امکان نیست.

D کلیپ Judgement Day چقدر می تونه مفهوم خود ترک Judgement Day رو برسونه ؟ این کلیپ رو با چه هدفی ساختید، به منظور مكملی برای رساتر کردن مفهوم این ترک یا فقط برای اینکه یک کلیپ زیبا ساخته باشید ؟

داستان کلیپ جزو اون پروسه ای هستش که یک



موزیک رو می سازیم، ضبطش می کنیم و اجراش می کنیم، موزیک ویدئو هم جزو این پروسه قرار می گیره، اولین هدف ما داشتن یک ویدئوی نسبتا تر و تمیز بود، ولی برای اون موزیک ویدئو خیلی مشکل داشتیم، یعنی اصلا فکر نکردیم که چه سبکی موزیک ویدئومون رو کار بکنیم، چون اون موقع بند دو نفر بود، من بودم و خانوم ۵۰۴۹، خب من درام نمی زدم، گیتار و بیس هم چون شکل کلیشون یک شکل هستش خیلی جالب نمی شد من یک جا گیتار دستم باشه و یک جا بیس، از یک طرف هم خانوم ۵۰۴۹ نمی تونست در موزیک ویدئو ظاهر بشه، من و آقای اعتمادی که کارگردان بود و پویا عباسیان که گرافیکست بند هستش صحبت کردیم که چی کار کنیم، چون من یک نفرم، به این نتیجه رسیدیم که انیمیشن کار کنیم، که از خیلی ها مخصوصا در روز نمایشگاهی که آلبوم اول ریلیز شد شنیدم که خیلی ها می گفتن پویان عجب آدمیه هیچ کسی رو از بند تو کلیپ راه نداد، ولی واقعا به غیر از من کسی برای اون کلیپ نبود.

قطعا هدفمون بود که مفهومی رو برسونیم ولی هدف اصلیمون این بود که اول کار در بیاد، چون همیشه من می گم که یک کار معمولی در اومدنش خیلی ارزشمندتره تا یک کار خیلی عالی که در نیاد، اول باید در بیاد بعد به صورت پله پله برای کارهای بعدی تجربه می شه و دستت باز تر می شه و می تونی نکات بیشتری رو در کارت بیان کنی و اون موقع قدرت بیان به دست میاری.

D آلبوم Access Denied تا چه اندازه به ماکت اولیه ای که در ذهنت از این آلبوم ساخته بودی نزدیک شد ؟

به نسبت خوب بود، باز بر می گرده به داستانی که می شنیم خونه آلبوم اورجینال مگادث رو که یکی از دوستانم برام میاره رو گوش می کنم ، و خب من با آهنگهای مگادث بزرگ شدم، ولی چون من اینجا بودم و خودم هنوز کاری نمی کردم نمی دونستم اون محصول بیرون اومدنش چه شرایطی می خواد، قطعا به صورت صد در صد به ماکت ذهنی ای که داشتم نزدیک نشد ولی با توجه به شرایط و محیطی که درش کار کردیم در کل راضی بودم، یکسری ایرادهای فنی و صدا داره، ایرادهای ملودی و چندین مشکل دیگه داره ولی اگر اون آلبوم در نمیومد الان این آلبوم جدید lets crush در نمیومد که به نظرم خیلی بهتر از آلبوم قبله.

مخصوصا راضی بودم از آلبوم Access Denied بیشتر به این خاطر هستش که برگشت خوبی از این آلبوم داشتم، یک مصاحبه تلفنی بی بی سی پرشین داشتم، یک مصاحبه بی بی سی ورد، یک مجله راشیا ریپورت و معرفی مجله شما بود، و خب به عنوان یک گیتاریست و یک بند بعد از این آلبوم به نسبت شناخته شدیم.

D چه قدر در نوشتن لیریکهای آلبوم Access Denied دخالت داشتی ؟ تم کلی اشعار آلبوم رو چه کسی انتخاب کرد ؟

اولین جلسه ای که من پیش خانوم ۵۰۴۹ رفتم یکسری متن نوشته بودم و بحث این شد که روی ترک Run Away لیریک بنذاریم، به صنم گفتم که من این متنها رو نوشتم و دیدیم که ایده هامون خیلی بهم نزدیکه و هر جفتمون خیلی دارک فکر می کردیم، کلیت لیریکها رو صنم می نوشت، در حقیقت آهنگسازیمون به این صورت پیش رفت که لیریکها رو صنم می نوشت و به من می داد و من روی لیریکها موزیک می نوشتم و بعد صنم روی موزیکی که می ساختم ملودی وکال رو کار می کرد، من تقریبا لیریکها رو دست کاری ای نکردم و شاید یک جاهایی فقط در حد یک کلمه این کار رو کردم که اون هم بیشتر به خاطر داستان ریتمیک آهنگ بود، ولی در ملودی وکالها چند جا یک ایده هایی داشتم.

D چرا لیریکها همه از نا امیدی و سیاهی می گن ؟ خودت چه طور آدمی هستی ؟ چه دیدی نسبت به دنیایی که درش زندگی می کنی داری ؟

من اصولا آدم هاپیری ام، به موقعهایی خیلی شادم به موقعهایی هم ناراحتم، ولی اینکه لیریکها دارک هستن به این دلیل که موزیک متالی که داریم می زنیم یکسری نکات جدی تر و عمقی تر رو باید بیان کنه و مخصوصا الان در این شرایطی که هستیم من به شخصه نکته مثبت و نورانی ای نمی بینم، البته Access Denied مربوط به ۲ سال پیش بود و الان که دیگه به نظرم همه چیز سیاهه.

اتفاقا اینکه من و صنم متنامون شبیه به هم بود به این دلیل بود که در یک محیط به نسبت شبیه به هم زندگی کرده بودیم.

D به نظرت چه نوع سبک لیریکی بیشتر مخاطب داره ؟ چرا ؟

هر نوع سبک لیریک مخاطب خاص خودش رو داره و تفاوتشون بیشتر در دوران ماندگاریشن هستش. سبک متال در کل به نسبت سبکهای دیگه مخاطب کمتری داره تا مثلا سبک پاپ، در سبک متال به نظرم جذابیت و پیور بودن و اورجینال بودنش به این هستش که جدیت بیشتری داشته باشه، خب کارای دیگه رو خیلی ها در سبکهای دیگه دارن می کنن و بیشترشون هم مسائل خیلی مقطعی و سطحی رو فقط در حد خوشحال شدن در کارشون قرار می دن.

D دوست داشتی شنونده هنگام گوش دادن به آلبوم با GRS و سلیقه ها و عقاید GRS رو به رو بشه یا اینکه فقط از کار GRS لذت ببره ؟

در پروژه GRS چقدر سلیقه مخاطب رو در نظر گرفتی ؟

خیلی دوست داشتم که این کار رو انجام بدم که خودم هم در اثرم باشم ولی به نظرم این کار زمان می بره، که مخاطب فقط موزیک من رو نشنوه و با خود من، روحیات و تفکراتم آشنا بشه، این یکی از نکات خیلی مهم پیشرفته موزیک هستش که کمتر کسانی تونستن به اینجا برسن.

در آلبوم اول به دلیل اینکه تجربه کمتری داشتم، بیشتر سلیقه خودمون بودش ولی در آلبوم جدید نه، مخصوصا ارمنستان خیلی کمکم کرد که محیط واقعی این کار رو ببینم و این تجربه رو به دست بیارم که سلیقه مخاطب هم تا حدی در نظر بگیرم.

D خودت چه نحوه گوش دادن به موزیک رو صحیح می دونی ؟ به نظرت ارزیابی چه معیارهایی در یک قطعه موسیقی مسخره و بی فایده هستش ؟

به نظرم در موسیقی باید مجموعه ای از شرایط رعایت بشه، بهترین ملودی دنیا رو که سازی به هر حال



وقتی داری اون رو برای کسی می داری داری پوزانتش می کنی، اون پوزانته کردن هرچی شرایطش بهتر باشه تاثیرگذاری اون اثر بهتره، من به شخصه سعی می کنم موزیک رو بیشتر گوش کنم تا بخوام حرفی بزنم یا فکر آنچنانی ای در موردش بکنم، ولی خیلی مهمه که Quality کار یا مثلا پکیج سی دی و تمام شرایط خوب باشن، هر قسمتی که نقصی داشته باشه یک جای کار می لنگه و هرکسی شاید به دلایلی از کار خوشش نیاده، شاید به دلیل اینکه کیفیت کار پایین باشه یکسری پارتها رو نتونن گوش بدن، مجموعه تمام شرایط در کنار هم جواب می ده.

D سعی داشتی در ۵GRS تجربه های جدید به دست بیاری و کارای جدیدی رو ارائه بدی یا اینکه الگوی خاصی رو مدنظر گرفتی و تلاش کردی تا به اون الگو نزدیک بشی ؟

سعی کردم که کار جدیدی رو بکنم ولی اینطور که صرفا کار جدیدی رو ارائه بدم نبوده، چون همونطور که گفتم اول اون کار باید انجام بشه و به شخصه در این زمینه اونقدر آدم با تجربه ای نیستم که بتونم رو مثل موم تو دستم بگیرم و هر کاری که بخوام بتونم بکنم، مهمترین علتش هم شرایط اینجاست، شرایط خیلی خیلی بد شده، حاشیه ها خیلی زیاد شده و این روی کار کردن ما خیلی تاثیر گذاره.

من الگوی اولم برای خودم اینه که کارم از این نقطه باید برسه به اون نقطه و من باید این پروسه رو انجام بدم، و طی راه قطعا به یکسری تجربه های جدید دست پیدا می کنم، اینجا واقعا همه چیز خیلی بد شده، تیم فوتبال رو می فرستن تو زمین و تازه می بینن که کی باید کجا وایسه، اینجا اینقدر هیچ چیزش سر جای خودش نیست چه برسه به موزیک و متال و فیمیل و کال و ... که ما بخوایم برای دراز مدت برنامه ریزی کنیم، من یک پروژه رو که انجام می دم یک ماه می شینم خونه و تمام تمرکز رو روش می دارم، هدف اصلی اینه که اون کار در اون مقطع انجام بشه، سخت نباید گرفت، چون فکر کردن با انجام دادن خیلی فرق داره، مثلا فکر می کنیم می ریم ارمنستان، ساند چک می کنیم و بعد می زنیم، خب، تا بریم اونجا آروز طول می کشه ولی الان یک ثانیه ای گفتیم، ساند چک کردن داستانی هستش که خب ما می دونستیم ساند چک ؛ ساند چک صداپرداری هستش و فکر می کردیم اینجا هم کردیم، ولی رفتیم اونجا و دیدیم نه اصلا صداپرداری اونجا یک شکل دیگه هستش و ما تا حالا باهاش برخورد نکرده بودیم چون اصلا تا حالا روی اون استیج نرفته بودیم، و هزاران قضیه دیگه، خیلی خویه آدم حرفش رو بزنه و برنامهش رو بذاره ولی وسط کار به خاطر محقق نشدن هر کدام از اون مسائل کارش رو متوقف نکنه، سعی کنه در اون شرایط اون مسئله ای که داره به هر دلیلی اذیت می کنه رو یک مقدار تعدیلش کنه و کارش رو با انحراف کمی جلو ببره.



D به عقیده خودت هنر رو چه طور باید برداشت کرد ؟ هنر رو تا چه حد می شه شخصی برداشت کرد و تا چه حد باید سعی کرد که مفهوم اثر رو اونطور که آفریننده اثر می خواسته برسونه دریافت کرد ؟ شخصی به نظرم درستتر هستش، چون آفریننده اثر هم خودش یک شخص هستش و من مخاطب هم یک شخصم و می تونه جاهامون یک روزی عوض بشه و من آفریننده اثر بشم و اون هنرمند مخاطب من بشه، پدرم هم همین عقیده رو داشت، وقتی ازش می پرسیدن مثلا منظورت از این اثر چیه هیچ وقت نمی گفت که منظور من از این مجسمه مثلا یک دیو یا یک آدم هستش، می گفت خودت چی برداشت می کنی، که حتی یکسری از مجسمه های دیوی که ساخته بود رو یک نفر به شکل خروس دیده بود.

D اگر به یک نمایشگاه نقاشی بری، یک تابلوی آستره رو دوست داری اونطور که خودت می بینی دریافت کنی، یا اینکه شده باشه حتی نیم ساعت برای یک تابلو وقت می داری تا بلاخره کشف کنی که نقاش می خواسته چه مفهومی رو به بیننده برسونه ؟ (پی نوشت : نقاشی های سبک آستره "عموما" شکل مشخصی ندارن، اکثرا خطها و رنگهای درهم و برهم هستن و به سختی می شه شکل و یا منظوری رو که مد نظر هنرمند بوده رو ازش برداشت کرد) من دوست دارم اون چیزی رو که شخصی برداشت می کنم رو دریافت کنم، دوست دارم بفهمم که چه مفهومی رو می خواد برسونه ولی تحقیق نمی کنم در موردش، البته بستگی به این داره که چه قدر به اون اثر علاقه پیدا کنم.

D خلاقیت رو در کجای کار ۵GRS باید جستجو کنیم ؟ سعی خودم رو کردم که خلاقیت داشته باشم ولی مخاطب باید این رو تعیین کنه، در آلبوم جدید فکر می کنم کارم خلاقیت بیشتری داشته باشه.

D ترتیب ترکها رو با چه فکر و منظوری چیدی ؟ چرا ترک ۱ Access Denied Part اولین ترک آلبومه، و ترک ۲ Access Denied Part پنجم آلبومه ؟ آیا منظور از اینکه ترکهای ۲ تا ۴ در بین این دو ترک قرار گرفتند این بوده که این ۵ ترک ادامه و مکمل هم هستن و با ۱ Access Denied Part شروع و با ۲ Access Denied Part تموم می شن ؟ در حقیقت می خواستی با این کار نشون بدی که مفهوم ترکهای ۲ تا ۴ در دل ترکهای ۱ و ۵ نهفته هستن ؟

اینطور هم می شه برداشت کرد ولی خودم به شخصه با این دید ترکها رو نچیدم، بیشتر با فکر شروع و اندینگ ترکها و در مرحله بعد بر اساس لیریکها، ترکها رو چیدم، مثلا در ترک ۱ Access Denied همه چیز خیلی down و شاکی هستش ولی Access Denied ۲ کاملا همه چیز شاد می شه و ویکتوری و ...

و مخصوصا نکته ای که خیلی روی چیدمان ترکها به صورت ناخودآگاه تاثیر گذار بوده آلبومهایی بوده که دوست داشتم و روم تاثیر گذاشته مثل holy wars , rust in peace و آلبومهای متالیکا و آیرون میدن، به هر حال اینها رو شنیدم و از اونها خیلی کمک گرفتم که هر مدل ترکی کجا باشه.

D تا چه حد به آثار هنری دیگران احترام می‌داری؟
 چقدر به آثار هنری خودت احترام گذاشته می‌شه؟
 اصلا این دو مقوله ارتباطی هم بهم دارن؟ تجربت تا الان چی ثابت کرده؟
 تا اونجا که می‌تونم سعی می‌کنم احترام بذارم، چه خوشم بیاد و چه خوشم نیاد، معمولا نمی‌گم بده و ایرادات کار رو بگیرم، اگر بخوام حرف خاصی بزنم اگر از کار خوشم بیاد خیلی ازش تعریف می‌کنم ولی در مورد اون بعدش سعی می‌کنم حرفی نزنم، چون به نظرم هنوز نه من اون آدمی هستم که بخوام اظهار نظر کنم، هم اینکه ایران هنوز خیلی پتانسیل انتقاد شنیدن رو نداره، حالا موزیک ما که خیلی کوچیکه، چیزهای دیگه ای مثل مجسمه و نقاشی و غیره همه با هم دعوا دارن.

D چرا در لیریک ترک Be a Cockroach از کلمه و تلفظ فارسی "آدم" به صورت تاکید استفاده کردی؟
 این ایده من بود و به نظرم صرفا یک کار جالبی بود، که البته آدم کلمه ای هستش که به همین صورت آدم در انگلیسی هم هستش ولی اینکه در اون قسمت به اون صورت و با تاکید گفتم می‌خواستم اون قضیه اگر می‌خوای اینجوری باشی باید پرواز کنی، اگر می‌خوای اون جوری باشی باید اون کار رو بکنی آخرش باید "آدم" باشی، یعنی دیگه آخرش باید خود آدمه باشی.

D بندهای ایرانی رو باید با بندهای داخلی مقایسه کرد، یا با بندهای خارجی؟ چرا؟
 قطعا باید بندهای ایرانی رو با بندهای ایرانی مقایسه کرد، چون ایرانی‌ها هستن که دارن با این شرایط در ایران کار می‌کنن.
 کمک گرفتن و نکته برداری کردن خیلی خوبه، ولی اینکه بخوایم مقایسه کنیم که مثلا این چه صداییه گرفتی کار مگادث رو گوش کن، این اصلا درست نیست.

D به نظرت بدترین اتفاقی که در موسیقی متال دنیا و همچنین موسیقی متال ایران افتاده چیه؟
 قضیه شیطان بازی و این حرفها، ریشه این هم بر می‌گرده به دکتر کوپر (به قول دیو ماستین بزرگ) یا همون Alice cooper که می‌گفت خودمون این داستان رو در سال هزار و نهصد و هفتاد و خوده ای راه انداختیم برای شو، که کاملا مثل یک تئاتر، شو بود، مثل کسی که در تئاتر آرایش می‌کنه و مثل دیو شاخ می‌ذاره این هم همینطور مثل یک شو بود که مخاطب بیشتر جذب بشه، کارهایی که کاملا برای جذب کردن یکسری مخاطب تین ایجر هستش و یکسری حرکات و آرایشها و داستانهای ظاهری در اون ور اتفاق افتاد که اینجا خیلی به ما لطمه زد، اگر یک مقدار با خودمون رو راست باشیم در خانواده های خودمون که بریم، مامان و بابا و اینا شاید عادت کرده باشن ولی فامیل های دیگه، پسره چرا این شکلیه... این چیه... چون اینجا شناخته شده نیست و یک قضیه کاملا گنگ هستش و تبلیغات بر علیهش بسیار زیاده و از اون طرف خودمون هم بخوایم بهش دامن بزنیم که دیگه خیلی بدتر می‌شه، من خودم یادمه کنسرتی رفتم، گروه خاکستر، در سالن فارابی، که خودم از خودم خجالت کشیدم که چرا رفتم به اون کنسرت، واقعا در خود اسلو در نروژ هم اون شکلی برای iced earth زدن لباس نمی‌پوشن، صلیب برعکس، پنج پر، اصلا فارابی برای کنسرت نیست، برای اینه که بشینی فیلم نگاه کنی و اصلا برای موزیک هم نیست، همه کار می‌خوان بکنن، شل پوشیده بود، یکی دستش داس گرفته بود، دقیقا هم کسانی این کارها رو می‌کنن که در اصل هیچ کسی نیستن، چون کسی هستن که به هر حال وجود فیزیکی دارن اون ظاهرشون لطمه می‌زنه به کسانی که دارن کار می‌کنن، اگر کسی بخواد از این کارها بکنه خب kahtmayan می‌تونه از این کارا بکنه، Qutin یا Mordab که کارشون خشن هم هست می‌تونن این کارها رو بکنن، ولی چرا نمی‌کنن، چون اصلا اینجا جاش نیست، اینجا هنوز گیتار در دست

گرفتن و خرید و فروش مسئله داره، خیابون به تی شرت و مو و تتوت گیر میدن، بعد بیای پنج پر بندازی برای لایو.

D برای اینکه فقط جنبه منفی رو نگاه نکنیم؛ چنتا از بهترین شاخصه ها و ویژگی های موسیقی متال ایران رو از دید خودت و بر اساس تجربت بگو؟
 بهترین اتفاقش به نظرم اینه که اینجا پتانسیل "به شدت" قوی ای داره، اون آدم الکی ها رو کار ندارم، فقط همون تعداد بندهایی که دارن کار می‌کنن که امیدوارم خود ما هم جزو اونها باشیم که کم هم نیستیم، پتانسیل بسیار زیادی وجود داره و اگر یک روزی شرایط بارور شدن رو داشته باشه در تایم خیلی کوتاهی بچه های ایرانی به خوبی جواب پس میدن، نوازندگی که خیلی پیشرفت کرده، الان نوازنده هایی در اینجا می‌بینیم که تا ۴ سال پیش مثلا یهو یک ویدئویی بیرون میومد که آقای ایکس یک سوئیپ اینجوری زده و غیره ولی الان بچه ۱۷ سالشه طوری گیتار می‌زنه که واقعا تعجب می‌کنی، البته در درام یک مقدار ضعف داریم، اون هم به خاطر اینکه سازش یک مقدار دردرس داره، همینطور وکال هم یک مقدار مشکل داره، ولی سازهایی مثل گیتار و بیس خیلی پیشرفت کردن، مخصوصا گیتاریستها، چون امکان این رو داشتند که کنسرتهای سولو آرتیستی بذارن و مثلا فقط ساتریانی بزنن، گیتاریستها خیلی خوب شدن.
 از اون طرف که پتانسیل موزیک کثافت در ایران خوبه؛ پتانسیل این موزیک هم خیلی خوبه، من همیشه به شوخی می‌گم که اگر یک روزی شرایط عوض بشه و همه بتونن بیان بالا باز باید صبح زود باشیم و بریم سالن بگیریم، چون هم پایه می‌خواد بیاد هم رپه، از اون ور هم بلک متاله و ... همه می‌خوان بیان و دوباره شلوغ می‌شه.
 که اون موقع یک تایمی باید بگذره که مخاطب، مردم، بتونن بی خودی ها رو حذف کنن که ناخودآگاه حذف می‌شن، بعد حالا کار در یک روالی بیفته.



عکس: کاریزما

D هر حرفی که به نظرت مهم بود که در این مصاحبه مطرح بشه و نشد، خودت مطرح کن ؟

یک چیزی می تونم بگم که در فیلم راک آن هم همین رو گفتم، این رو برای تمام جامعه موسیقی ایران می گم که خودم هم جزوش هستم، تا می تونیم کارمون رو ادامه بدیم و با هم و پشت هم باشیم، من و kahtmayan و Qutin و Mordab هر کدوم به تنهایی کاری نمی تونیم بکنیم ولی اگر پنجا باشیم می تونیم مثلا یک فستیوال بذاریم، همه پشت هم باشن، زیرآب هم رو زنن، حالا موسیک من رو دوست نداری اوکی شاید منم موسیک تو رو دوست نداشته باشم ولی این دلیل نمی شه که گنگ بازی و مافیا بازی بشه، هنوز هیچی نشده و نه پولی دراومده و نه فستیوالی هست مافیا شده، بهتر اینه که نه این وری باشیم و نه اون وری، خوشبختانه کسانی که این کاره تر هستند اون وسط وایسادن، امیدوارم این راه رو ادامه بدیم تا یک روز جواب بده چون این کار تنهایی نمی شه، مشکلی که وجود داره اینه که ما چیزی مثل به فرض انجمن نقاشان نداریم، حالا نه حتی به اون شکل آفیشیال، هیچ انجمن حالتی وجود نداره که صرفا برای این موسیقی باشه، چون سبکهای دیگه موسیقی شرایط و ساپورت های خودشون رو دارن، حتی یکسری از نوازنده ها از طریق خانه هنرمندان بیمه هم هستند، ولی این سبک اینطور نیست، مثلا اگر بخوای در خانه موسیقی عضو بشی باید رزومه ببری، و من فکر نمی کنم اونا رزومه ما رو قبول کنن.

ممنون از وقتی که در اختیار دیوان قرار دادید.
خواهش می کنم.

D خب، یک مقدار هم در مورد خودت و علاقت صحبت کنیم، در زندگیت چه چیزهایی بزرگترین علاقت رو تشکیل می دن ؟

خب موسیک اولیش هستش، دومیش سگمه، غذا هم خیلی دوست دارم.

D وقتی در یکی از خیابانهای شلوغ تهران راه می ری و انواع و اقسام بدبختیها و گدا و دزد و ... رو می بینی چه احساسی بهت دست می ده ؟ چقدر دوست داری محیط اطرافت رو تغییر بدی و چقدر برات مهمه که اطرافت داره چی می گذره ؟

برام مهم هست که تغییر بکنه ولی در درجه اول برام دزد و گدا و اینها نیست، به نظرم چیزهای کلی تری باید تغییر کنه تا اونها هم تغییر کنه و این کار رو شخصی نمی شه انجام داد، از دست من بر میاد که مثلا دوتا آهنگ بسازم، از دست شما یه کار دیگه و مجموعه اینها باعث می شه محیط پیرامون عوض بشه، ولی الان مشکلات اصلیمون خیلی بزرگتر هستند.

قطعا این احساسات دریافتی از اطراف احساسات خوبی نیست و بعد از یک مدت معمولی می شه ولی در ناخودآگاه در یادمون مونده که به قول تو می شه ایده های این ترکها.

D گروه های موسیقی و نوازنده های مورد علاقت ؟

مگادث، مگادث، مگادث، گیتاریست اول زندگیم که marty friedman ، خب بعد از مگادث، دث، تستامنت، آبرون میدن، جوداس، ریچ، درامر ریچارد کریستی، بیسیست استیو هریس، محمد حلاجی، اصولا نوازنده های تکنیکال رو ترجیح می دم، مثلا دیوید گیلور رو خیلی دوست دارم ولی کسانی در اون مایه ها رو الان اسم نمی برم چون بیشتر نوازندگی های سرعتی و تکنیکی رو ترجیح می دم.





مصاحبه اختصاصی

DIVAN

با بند دث متال

MORDEB

گروه مرداب یکی از برجسته ترین بند های دث متال ایران میباشد که با ۲ آلبوم منحصر به فرد خود توانسته است تاثیرات بسزایی را در عرصه ی موسیقی متال ایران بگذارد و طرفداران بسیاری را در ایران مخاطب موسیقی خود قرار دهد. در این شماره گفت و گویی را با علی اصفهانی و وحید اصفهانی خواهیم داشت تا نا گفته ها را از دل مرداب در آوریم.

D در ابتدا مختصری درباره Mordab توضیح بديد؟
 وحید : تقریباً سال ۲۰۰۴ بود که علی با دو تا از دوستهای قدیمیش تحت نام مرداب کار می کرد و بعد از یک مدت دیس بند شدند، سپس من و علی و طبق پیشنهادی که علی داد با همون نام مرداب شروع به کار کردیم و استارت کار زده شده، در ابتدا ۲ تا دمو بدون وکال و همچنین سایت بند رو ساختیم که بعد آریانا به عنوان گیتاریست و آرش ایوانی هم به عنوان وکالیست به ما پیوست و اولین کارمون رو که یک دمو بود کار کردیم که تمام کارهای این ای پی توسط خودمون در Home Studio ای که داشتیم انجام شد. اون کار رو به صورت رایگان در اینترنت برای دانلود گذاشتیم.

برای آلبوم دوم تصمیم گرفتیم که یک کار حرفه ای تر بسازیم و علی هم در زمینه صداپردازی پیشرفت کرده بود و برای آلبوم دوم کیفیت کارمون بالاتر اومد که حاصلش یک کار استدیو ای با ۶ ترک شد، جنس صدا و کیفیت خیلی بهتر شد و مهمتر از همه موزیک خودمون رو بهتر پیدا کردیم. این آلبوم رو هم به صورت رایگان در Myspace و وب سایت خودمون برای دانلود گذاشتیم، یک مدت آرش مقدم به عنوان درامر برای کنسرت ارمنستان باهامون همکاری کرد ولی نتونست باهامون به ارمنستان بیاد در نتیجه کنسرت ارمنستان رو در سال ۲۰۰۹ با یک درامر ارمنی به اسم کورین به همراه آیدین زاهدی، سولو گیتاریست به عنوان اولین استیجمن تجربه کردیم، بعد از اون کنسرتمون آیدین زاهدی به ما پیوست و آرش مقدم از بند جدا شد، بعد با شاهین جبلی برای درامر آلبوم جدیدمون که یک کار رسمی که رایگان نباشه و بتونه یک کمپانی خوب رو جذب کنه صحبت کردیم، بعد از اون من، علی، شاهین و آیدین استارت کار رو برای یک کار خیلی حرفه ای تر از نظر موزیک، رکورد صدا و از نظر اینکه کاری باشه که بتونیم در سطح دنیا این کار رو ارائه بدیم زدیم، سپس آرش ایوانی از ما جدا شد و شهروز گودرزی به عنوان وکالیست برای این آلبوم به ما پیوست که واقعا وکالیست قوی ای هستش و سطح پرفورمنس کاریمون خیلی بالا رفته، علی واقعا خیلی برای رکورد کار زحمت کشیده و همه کارا رو تو خونه در استدیو خود مرداب داره انجام می ده و آلبوممون الان حدود ۱۱ ترک هستش و امیدواریم بتونیم با یک کمپانی خیلی خوب قرارداد ببندیم و بتونیم ریلیزش کنیم. الان که داریم صحبت می کنیم حدود ۲ ساله که داریم رو این پروژه همکاری می کنیم. برای استیج هم داریم آماده می شیم و الان خوشبختانه line up بند تکمیل شده، آیدین زاهدی گیتاریست، علی گیتاریست و آهنگساز و صداپرداز، شاهین جبلی درامر، شهروز گودرزی وکالیست و من هم وحید بیسیست مرداب هستیم.

D خوب بودن براتون کافیه ؟ چقدر روی خاص بودنتون کار کردید ؟

وحید : خاص بودن ما بر می گرده به خود موزیکمون، حس ملودی های ما مربوط به حس علی می شه چون کار ملودی ها رو اون انجام می ده و علی خیلی دوست داره حس کار رو به حس ایرانی نزدیک کنه که در این زمینه خود علی بهتر می تونه توضیح بده.

علی : تا الان سعی کردیم خوب باشیم بر اساس دو پارامتر، اولی حس کار، که به نظرم مهمترین چیزی که می تونه روی شنونده تاثیر بذاره حس کار هستش، دومی Quality کار هستش.

آلبوم ۲۰۰۶ با یک کارت صدای خونگی در حد UN-board بود، چون در سال ۲۰۰۵ که ما شروع به ساخت اون آلبوم کردیم در ایران کارت صداهای خونگی خیلی کم و خیلی گرون بودن، کیفیت آلبوم سال ۲۰۰۶ کیفیتی بود که در اون سال برای خیلی ها که راک و متال کار می کردند قابل قبول بود، شاید خیلی ها هم از نظر کیفیت ردش بکنن که خب حق دارن، آلبوم ۲۰۰۸ خیلی کار بهتری بود و کسانی که به ما پیوسته بودن حرفه ای تر بودن و انرژی بیشتری براش گذاشتیم، تجربمون بیشتر شده بود و فیدبکهای خوبی هم که از آلبوم ۲۰۰۶ داشتیم باعث شد که آلبوم ۲۰۰۸ خیلی کار بهتری بشه که ما این آلبوم رو هم به عنوان ای پی دادیم بیرون، که البته سیاستمون این بود، که بتونیم بیشتر خودمون رو بشناسونیم، چون اینکه حس مرداب رو بتونیم به شنونده برسونیم برامون مهمتر بود.

برای ما در درجه اول حس کار مهمه و به نظرم چیزی که می تونه یک بند رو محبوب بکنه حس کار هستش، کما اینکه خیلی از کارا در دهه های گذشته در دنیا تولید شدن اما هنوز که هنوزه شنونده خیلی تمایل به گوش کردن اون کارها داره.

D وقتی مرداب رو تشکیل دادید، هدفتون ساخت موزیکی خوب بود یا موزیکی خاص ؟

علی : هدفمون بیشتر روی خاص بودن بود، البته نه اینکه بخوام تمرین کنم که خاص بشم، چون این خودش خیلی زمان می بره تا خاص بشی، به این دلیل که یک نوازنده یا آهنگ ساز در ابتدا به صورت ناخودآگاه کارش شبیه می شه، یعنی به فرض به بند یا بندهایی رو خیلی دوست داری که شب و روز داری به کاراشون از بچگی گوش می کنی، در نهایت زمانی که می خوای به آهنگی رو خلق بکنی ناخودآگاه کارت از لحاظ حسی، ریتم، ریف و ملودی و ... شبیه به اون می شه و تو خاص نمی شی، ممکنه خوب بشی، کما اینکه خیلی از گروه ها در دنیا هستن که خوبن اما خاص نیستن، در آینده حس کار ما با تمرینات بیشترمون بین تمام اعضا پخش می شه و حس آهنگهای مرداب مجموعی از تمامی حسهای اعضا می شه، ولی الان حس کارمون بیشتر به دوش من هستش و من صرفاً نخواستیم که خاص بشم، سعی کردم ریفهایی که می سازم از درونم و متفاوت با اون چیزی که تا الان شنیدم باشه، و فکر می کنم تا به حال تونستم یک مقدار خاص بشم، چون خیلی سعی کردم تا جایی که می تونم رو حساب اینکه ما ایرانی هستیم اون موزیک تاریخی خودمون رو از لحاظ حسی (نه از لحاظ ساز) وارد موسیقی متال بکنم، البته نه خیلی، چون خیلی جاها موسیقی ما کاملاً فرق می کنه، اما تا اونجا که می تونستم و به آهنگسازی و تم اصلی مرداب لطمه نزده سعی کردم از ریفهای شرقی و مخصوصاً ایرانی تو کارمون استفاده بکنم.

وحید : خب همه ما که متال کار می کنیم اول متال گوش می دادیم و بعد نوازندگی رو شروع کردیم، ما با تاثیر از موزیکهایی که دوست داشتیم موزیک رو یاد گرفتیم، اکثر گروههای دنیا هم به همین صورت هستند، تحت تاثیر یکسری گروه ها شروع به موزیک گوش دادن کردند، تحت تاثیر یکسری موزیسین ها رو به موزیسینی آوردند و خواه ناخواه وقتی که کاری رو خلق می کنن بلاخره یک تاثیراتی از موزیکهایی که دوست داشتن در اون احساس می شه، ما هم تحت تاثیر گروه هایی که دوست داشتیم بودیم، مثلا علی به iced earth خیلی علاقه داشت و ما در آلبوم Darker than grave در بعضی جاها شباهتهای حسی ای به اون داشتیم، گروههایی مثل Death, Dark Tran- quillity گروههایی بودند که بهشون گوش می کردیم و علاقه داشتیم و رنگ و بویی از اونها در موزیکمون هست.

اما چیز مهمی که وجود داشت این بود که ما خودمون رو پیدا کنیم و با توجه به شرایطی که درش رو به آهنگسازی آوردیم چه طور کار بکنیم و بتونیم حرفی از خودمون بزنیم، علی گیتاریستمون و لاین ملودی ما با علی هستش، خوشبختانه علی از آلبوم Darker than grave به بعد کاملا خودش رو پیدا کرده و موزیک ما موزیک مرداب شده، خودمون هم که به آهنگمون گوش می دیم کاملا اون حس مخصوص به مرداب رو احساس می کنیم، خیلی اوقات پیش میاد که بعضی از کارای گروههای خارج از کشور رو گوش می دیم یک تشابهاتی بین کار ما و یکسری گروههای جدید که دارن کار می کنند وجود داره، چون الان اکثر گروه های دث متال از سبکهای فیریژین و از سبکهای شرقی استفاده می کنن، مخصوصا شرقی ایرانی نه شرقی مصری یا عربی، دقیقا شرقی ایرانی که می تونم گروه In Mourning رو مثال بزنم که ملودی هاش کاملا ایرانی هستش و این خیلی خوبه، هدف ما هم این بود که ملودی و حس ایرانی وارد دث متال بشه، چون حس فوق العاده غنی ای هستش و مسلما یک امریکایی هم که به این کار گوش بده از لذت می بره چون یک حس متفاوتی با بقیه حسهای شرقی داره، خوشبختانه در این قضیه

تونستیم تا حدی خودمون رو پیدا کنیم و در آلبوم جدیدیمون نمود خیلی بیشتری پیدا می کنه و نقاط قوت زیادی داریم.

D تا چه حد تونستید به این هدفتون نزدیک بشید؟
علی : فکر می کنم نسبت به چیزی که مد نظرمون هست تقریبا چیزی نمونه که نزدیک بشیم به اون کمالی که در موسیقی مرداب می خوایم، اگر بخوایم به درصد رقم بندی بکنیم شاید بشه گفت 80%-90% مسیر رو بابت رسیدن به اون حس اصلی که می خواستیم طی کردیم.

D شرایط سخت کار کردن در ایران یک بهانست یا یک واقعیت ؟

علی : اگر واقعیت رو ببینیم در ایران استدیوها به اون صورت درآمدی ندارند و واقعا هزینه ای از نوازنده ها نمی گیرند، خودتم در جریان هستی که واقعا در مقابل استدیو های اون ور چیزی نیست، البته کیفیت اونها هم به همون نسبت فرق داره، برای خود من تنها سختی ای که وجود داره زمان هستش و در کار به سختی دیگه ای فکر نمی کنم، چون هرچی خواستم دنبالش رفتم، به فرض در آلبوم اول کارت صدا نداشتم، تلاش کردم و زحمت کشیدم تا یک کارت صدای بهتری بگیرم، با تلاش و شب نخواستیدن در اینترنت گشتم تا بتونم اطلاعات و تئوریم رو بالا ببرم که بتونم از کارت صدایی که گرفتم به بهترین نحو استفاده کنم یا مسائل دیگه ای از این قبیل، من سختی ها رو در این چیزها نمی بینم، سختی من مشکل زمانم هست، اینکه ساعت 7 از سر کارم خسته بیام خونه و بشینم کارها رو ضبط بکنم، واگر نه از لحاظ رکورد، میکس، مستر و ... مشکل و سختی ای وجود نداره، فقط مسئله نداشتم تایم هست که برام سختی به وجود میاره.

وحید : چون ما داریم سبک متال کار می کنیم نمی تونیم بگیم صرفا شرایط ایران سخت هستش، در همه جای دنیا کار کردن در این سبک موسیقی خیلی سخته، چون مخاطبهای خاص داره و به همون نسبت

اسپانسرهایی که رو این موزیک سرمایه گذاری می کنند خیلی درصداشون کمتر هستش و در عین حال این موزیک هم احتیاج زیادی به تمرین داره، خیلی باید قوی باشی، مثل پاپ نیست که در یک حدی با یک سال نوازندگی بشه به نتیجه رسید، زمان خیلی زیادی برای تمرین باید گذاشت و کار طوری هست که باید گروهی باشه و این گروهی کار کردن خیلی سخته، این شرایط فقط مربوط به ایران نیست، همه جای دنیا اینطور هستش.

در ایران برای آلبوم دادن شرایط سختی وجود نداره، هر کسی می تونه بره ساز بخره، تمرینش رو بکنه، استاد خوب داشته باشه و ... همینطور اینجا رکورد آلبوم راحت تره چون هزینه ها پایین تره، درسته کیفیت کار به اون ور نمی رسه ولی هزینه های اون ور خیلی زیاده یعنی برای رکورد یک آلبوم معمولی باید نزدیک 5-6 برابر اینجا خرج بکنی، اما مسئله اصلی ای که اینجا وجود داره این هستش که شرایط اجرا در ایران وجود نداره، موزیسین هایی که در سبک متال در ایران کار می کنند برای استیج ضعیف هستند چون تجربش رو ندارند، مشکلات کار به این قضیه مربوط می شه و ضعف ما نسبت به گروههایی که در کشورهای غربی هستند این هستش که اونها از نظر استیج خیلی از ما قوی ترند.

D در آخرین لایوی که داشتید، وقتی رفتید روی استیج بزرگترین ددقده ذهنیتون چه چیزی بود ؟
علی : بزرگترین ددقدهمون این بود که وسط اجرا یک موقع همانگیمون از بین نره که لایو استاپ بشه، که خوشبختانه بچه ها، در حد خودمون بچه های حرفه ای بودن، مخصوصا درامری که به ما پیوسته بود به اسم کورین، که نتهای درام رو گذاشته بودیم جلوش و یک نفر بود که براش ورق می زد، یعنی اونقدر حرفه ای بود که داشت نتهای رو می خوند و می زد و به خاطر همین بود که نگران بودیم همانگیمون با درامری که شاید فقط 3 روز در ارمنستان با هم تمرین کردیم از دست بره، همین، جز خوشی هم اونجا چیزی نداشتیم و خیلی لذت داشت.



وحید : خویشتن این بود که اولاً گروه بودیم و همین که روی استیج همدیگر رو نگاه می کردیم خودش یک قوت قلب بود، و همونطور که علی گفت استرس این رو داشتیم که یک موقع اشتباه بدی نکنیم، چون بحث سر آبروومون و اولین استیجمون بودش و برامون یک نقطه عطف به حساب میومد، جایی بودش که هر کاری کرده بودیم رو قرار بود نشون بدیم و این کار خیلی استرس داشت که بتونیم درست انجامش بدیم، خب سختی های خودش رو داشت، من خودم رو استیج متوجه نشدم که چه اتفاقی داره میفته و خروجی کار چی هستش چون همش درگیر استرس کار بودیم تا کارمون تمیز در بیاد، فقط می خواستم پارتهای خودم رو تمیز بزنم و با درامر میج باشم، خوشبختانه گیتاریستامون علی و آرمین خیلی خوب باهم میج بودن، از استیج که اومدیم پایین، از فیدبکی که از جمعیت و کسانی که کارمون رو دیدن گرفتیم، از خودمون راضی تر شدیم که انگار خوب بوده، چون برامون سوال بود کسانی که اومدن پایین استیج چی شنیدن که خوشبختانه فیدبکهای خوبی داشتیم.

د چه نوع موسیقی ای رو زیبا می بینید ؟
به چه موسیقی ای می گید موسیقی بد و چه موسیقی ای رو به اسم موسیقی خوب می شناسید ؟

علی : بر می گرده به سلیقه، من خودم هیچ تعصبی برای گوش کردن موسیقی ندارم و از موسیقی سنتی که کاملاً حسش من رو بهم می ریزه گوش می کنم تا موسیقی کلاسیک و سبکهای دیگه، و تنها چیزی که به نظر من می تونه در موسیقی مهم باشه حس هستش که می تونه تاثیر خیلی زیادی روی شنونده داشته باشه.

وحید : به نظرم هر موسیقی ای بالاخره یک حرفی برای گفتن داره، هر گروهی یا هر کسی که آهنگی رو می سازه با توجه به معیارهایی که داره بالاخره یک فلسفه ای برای کارش داره، ولی اون موزیکی رو که بخوایم یگیم خوب هست یا نیست به غنی بودن، حرفه ای بودن یا تکنیکال بودن بر نمی گرده، حتی اگه سه تا نت در کنار هم قرار بگیره باید طوری باشه که مخاطب اون سبک موسیقی بتونه با اون موسیقی ارتباط برقرار کنه، این می شه یک موسیقی خوب، یعنی تو بتونی یک ملودی ای بسازی که مخاطبت بتونه با موزیکت ارتباط برقرار کنه و این یک شرایطی می خواد که یک موزیسین اون رو رعایت می کنه و حسی در کارش به وجود میاره که شنونده اون حس رو دریافت می کنه و لذت می بره، موزیک خوب باید تاثیر داشته باشه، به نظر من موزیک یعنی تاثیر.

د هدف مرداب چیه ؟

علی : اولین هدفمون ارائه یک موسیقی کاملاً غنی طبق صحبتهایی که وحید گفت و هدف دوممون که کاملاً می تونه درونمون رو شاد بکنه و باعث بشه که از وقت گذاشتنمون روی مرداب لذت ببریم ، برگزاری کنسرتهایی هست که بتونیم در مقابل جمعیتهای هرچه بیشتر انجام بدیم.

در اصل دو هدف داریم، یکی موسیقی غنی و کامل و دیگری برگزاری کنسرت که فکر می کنم هدف خیلی از گروه های موسیقی باشه.

د موقع نوشتن آهنگ چقدر رو این موضوع وسواس دارین که مخاطب رو با اون چیزی که مد نظرتون هستش درگیر کنید، این ارتباط رو سعی می کنید بیشتر با چه عنصری با مخاطب برقرار کنید ؟ موسیقی یا لیریک ؟

علی : ما لیریکمون جدا نوشته می شه و ملودی ها جداگانه ساخته می شه، وقتی که ملودی ها و حس کار رو می سازیم و به یک حس واحدی می رسم، اون کار می شه یک ترک، البته این کاری هست که ناچاریم انجام بدیم، چون باز زمان نداریم که به فرض کسی که به عنوان خواننده در کنارمون هست و لیریک کار رو می نویسه کنارمون باشه که باهم اون ترک رو بسازیم، اما در کل چون مرداب موزیک محور هستش سعی کردیم که اگر هم لیریکی در کار قرار می گیره کاملاً با حس مرداب یکی باشه و تا به الان فکر می کنم در این زمینه موفقیت داشتیم، کما اینکه آلبوم جدیدمون هم که لیریکش توسط یکی از دوستان به اسم بابک فرخی گفته شده کاملاً لیریک با موسیقی همخوانی داره، بابک خیلی انرژی گذاشته که با توجه به حسی که از ترک می گیره لیریک رو بنویسه و در اصل هدفی که برای گفتن حس و لیریک داریم باهم ادغام بشه.

د موفقیتی که مرداب تا الان کسب کرده به چه دلیلی بوده ؟ مرداب و مخصوصاً آلبوم Darker than grave چه ویژگی خاصی داره که تونسته جایگاه خوبی رو بین طرفداران این موسیقی به دست بیاره ؟

علی : فکر می کنم اون چیزی که شنونده های سبکهای مثال از یک گروه ایرانی توقع داشتند رو با اون حس ایرانی ای که با کارمون ادغام شده تونستیم برآورده کنیم، چون ما ایرانی هستیم و ناخودآگاه از بچگی موسیقی سنتی گوش کردیم، حال و هوای موسیقی ایرانی، گامهای ایرانی و ...

حالا من نمی خوام بگم مثلاً Darker than grave سرشار از گامهای ایرانیه، ولی خیلی پارتهای هستش که فضاهای ادغام شده خیلی حس کار رو دارک کرده، یک حس خیلی غنی و عمیق، و من فکر می کنم قطعاً حس آلبوم Darker than grave باعث شده که این آلبوم بازتاب خیلی خوبی داشته باشه، کما اینکه خیلی از دوستان واقعا لطف دارند و هنوز که هنوزه ایمیل می فرستند و خیلی ابراز علاقه می کنند و فیدبک کاملاً حسی هستش، یعنی حس کار مردابه که مرداب رو خیلی براشون ارزشمند کرده، و همچنین می شه گفت که کیفیت نسبی ای که ما در آلبوم 2008 داشتیم نسبت به کارای دیگه بهتر بود، خیلی ها می گن کیفیتش خوب بود ولی الان که خودم اون آلبوم رو گوش می کنم می گم قطعاً باید ری مستر بشه.

وحید : ما برای اون آلبوم می خواستیم یک کار خیلی خوب ارائه بدیم، می خواستیم خودمون رو امتحان کنیم و آلبومی بدیم که بتونیم حسمون رو منتقل کنیم و این کار رو درست انجام بدیم، از چیزهایی که یاد گرفتیم استفاده بکنیم و موزیکمون استاندارد و بین المللی باشه.

الان برای آلبوم جدید هم دقیقاً همون سیستم رو داریم، یعنی دوست داریم کارایی که می سازیم اول خودمون بتونیم باهاش ارتباط برقرار کنیم و ازش لذت ببریم و بعد مسلماً اون کار باعث می شه کسانی هم که دقیقاً مثل ما هستن چون طرفدار موسیقی متال هستن از اون کار لذت ببرند.

د تا به اینجای کارتون، سختی ها و مشکلات رو به صورت عامل محرکی برای تلاش بیشتر و رسیدن به موفقیت می دیدید یا اینکه فقط سعی کردید با مشکلات کنار بیاین ؟

علی : مشکلات باعث می شه قوی تر بشی، چون وقتی یک مشکلی میاد سر راحت، بعضی ها ازش فرار می کنن و بعضی ها سعی می کنن باهاش مبارزه کنند و سعی می کنند ازش بگذرن، که خوشبختانه تمام بچه های گروه دقیقاً این کار رو کردن و از مشکلات درس گرفتند، هم از لحاظ تکنیکی و هم حسی و هم از لحاظ کیفیت خود کار.

د نظرتون در رابطه با تکنیک در موسیقی چیه ؟ چه چیزی موسیقی رو زیبا می کنه ؟ تکنیک ؟ اصول ریاضیاتی ؟ و یا داشتن سلیقه ای مطابق با سلیقه



عام و توان پیاده کردن این سلیقه در موسیقی ؟

وحید : در سبک متال از دهه 2000 و از 2000 به بعد قضیه تکنیک جای خودش رو باز کردش که موزیکها به اصطلاح برای اینکه بتونند مخاطبهای خودشون رو جذب بکنند و موزیکشون رو پیشرفت بدن تکنیک رو وارد متال کردند، این خیلی خوبه و من خودم از این قضیه خیلی لذت می برم، چون موزیک تکنیکال کار رو غنی می کنه و باعث می شه موزیسینها حرفه ای تر می شن و خواه نا خواه عمق کار بیشتر می شه، هر گروه می تونه با توجه به تکنیکهای خاصی که استفاده می کنه برای خودش یک سبکی رو بسازه، ولی به نظر ما همه اینها باید زیر مجموعه موزیک قرار بگیرن، یعنی اگر بخوای صرفا تکنیک بزنی این دیگه خوب در نیامد، باید حس باشه و تکنیک یک وسیله ای هستش که بتونی حس رو قوی تر بکنی، اول باید موزیکت موزیک باشه، دوم موزیکت با حس باشه و بعد بتونی با تکنیک این رو قوی تر بکنی، که در این مرحله تکنیک، کار رو شاهکار می کنه.

D به آلبوم باید دارای چه ویژگی هایی باشه که بشه بهش گفت "عالی" ؟

وحید : طبق همون صحبتهایی که در قبل کردیم، آلبوم خوب آلبومی می شه که طرفدارها از اون لذت ببرند، و اینکه شنونده بتونه مدتها از یک موزیکی لذت ببره به شرایطی رو باید رعایت بکنی که خیلی کار رو سخت می کنه، کار تو باید ماندگار باشه و تعداد زیادی از آدمها بتونند با کارت ارتباط برقرار کنن، یک آلبوم عالی باید تاثیرگذار و ماندگار باشه.

D چقدر به این اعتقاد داری که موزیک به بند ایرانی باید تا حدی نمایانگر موسیقی ایران باشه ؟ به نظرت اصلا لزومی داره بندی که سبکش متاله و پایه سبک موزیکش به موزیک کاملاً غربیه بیاد و به نحوی موسیقی سرزمین خودش رو هم با موزیکش ترکیب کنه ؟

علی : این بحث به سلیقه بر می گرده، که مثلاً طرف به چه حسی از موسیقی متال علاقه داره که بخواد اون رو در موسیقیش جای بده، به نظر من اونقدر موسیقی ما غنی هست و اونقدر در موسیقی خودمون حس عرفانی و کامل داریم که ما اگر از اون حسها در کارمون استفاده بکنیم فکر می کنم کارمون خیلی قشنگتر می شه، من اینطور ترجیح دادم که این حس رو با موسیقیمون ترکیب کنم.

وحید : در موزیک تاثیر جا و مکان خیلی مهمه، مثلاً موزیکی که در آمریکا ساخته می شه وقتی به اون گوش می کنی کاملاً مشخصه که از آمریکا بلند شده، یا موزیکهایی که از اروپا بلند می شنند حس اروپایی دارن، خب ما هم در ایران بزرگ شدیم و یکسری حسها در ما وجود داره که برای یک کسی که در آمریکاست نا آشناست، الان یکسری گروههای اسکاندیناوی هستند که برای خودشون یک سبکی دارند و به سبک خودشون می کنن سبک اسکاندیناوی که من با این قضیه زیاد موافق نیستم، ما می تونیم کاری بکنیم که یک انسانی که در ایران نیست وقتی یک موزیک متال ایرانی رو بشنوه یک حسهایی رو بشنوه که از جای دیگه ای نمی تونه بشنوه، این خیلی خوبه و ما این کار رو می تونیم انجام بدیم چون تاثیرات مکانی ایران رو داریم، مثل گروههای لهستانی، دث متالهایی که از گروههای لهستانی می شنوی حتی از دث متالهای آمریکایی هم نمی تونی بشنوی چون حس لهستانی دارن، به خاطر شرایطی که بعد از جنگ جهانی دوم در لهستان بوده یک موزیک اگرسیو خیلی خشن دارن، و با گوش کردن به موسیقی اونها می شه فهمید که از لهستان بلند شدن، مثل خیلی گروههای سوئدی و آمریکایی، ما هم چون ایرانی هستیم به همون نسبت باید در موزیکمون یکسری استانداردها رو رعایت بکنیم و یک درصدی هم مربوط به ایران باشه که مشخص بشه این کار ایرانیه.

D صادقانه ، ایرانی بودنتون تا الان براتون باعث افتخار بوده یا مانع پیشرفت ؟

علی : من به این اعتقاد دارم که اگر کار کلیتش خیلی قوی باشه دیگه اصلاً کسی به ملیت کاری نداره، کما اینکه گروههای ایرانی ای هستند که به همین صورت هستن که اونقدر کارشون قوی و خاص هستش که کاملاً لبیل های اون ور رو تونستند جذب کنن.

وحید : هر کسی هر کجا به دنیا بیاد با توجه به شرایط اونجا بزرگ می شه و یکسری احساسات به زادگاهش داره که تا آخر عمرش همراهش می مونه و اصلاً نمی شه گفت که به فرض کسی از مثلاً ایرانی بودنش پشیمون باشه، ما هیچ مشکلی با اینکه در ایران هستیم نداریم، شرایط اینجا سخت بوده و این باعث شده که ما قوی تر بشیم اصلاً شاید به خاطر این هست که داریم متال گوش می دیم، شاید مثلاً من اگر در آمریکا بودم شاید الان داشتم موزیک کانتری گوش می دادم و لذت می بردم، شرایط خیلی مهمه، ما در این شرایط بزرگ شدیم و زندگی کردیم و این شرایط رو خیلی دوست داریم، دوستان زیادی هم داریم که مثل ما هستند و

همه ایرانی هستند، موسیقی چیزی هستش که محدودیت نداره، مثلاً یک نفر در افغانستان هم می تونه فن درجه یک Cannibal Corpse باشه، این چیز عجیبی نیست، ما ایرانی ایم و به اندازه خودمون حرف برای گفتن داریم، فقط چیزی که هستش باید خودمون رو قبول داشته باشیم که این برای خودم خیلی مهمه، درسته شرایط خیلی سخته و از به نظرهای اصلاً قابل مقایسه نیست، ولی واقعاً بعضی ها اینجا دارن خیلی خوب کار می کنن و باید خوب کار بکنیم چون هیچ چیزی از کسی کم نداریم، توانایی ها خیلی خوبه، حسها خیلی خوبه و بچه ها واقعاً پشت کار دارن، الان بهترین گروه آمریکایی رو بیارن در ایران کار بکنن اصلاً نمی تونن، خب این نشون دهنده قدرت بچه های ایرانیه که در این شرایط دارن موزیک کار می کنن و من به این قضیه خیلی افتخار می کنم.

D چرا اسم Darker Than Grave رو برای آلبومتون انتخاب کردید ؟ این آلبوم واقعاً از قبرم تاریک تره ؟

علی : بهتر بود که این رو خواننده قبلیمون، آرش ایوانی، که زحمت لیریکها رو کشیده بود بگه، چون حس کار این رو بهش القاء کرده بود که این اسم رو برای آلبوم انتخاب کنه و من نمی تونم از دید خودم صحبت کنم، اما در کل اون حسی که به آرش داد اینطور بود و به ما هم پیشنهاد داد و نظر ما هم باهاش موافق بود.

D آلبومتون رو برای بار اول که داشتم گوش می کردم، وقتی به ترک Psychotic Depression رسیدم، قبل از پلی کردنش با توجه به اسمی که داره خودم رو برای شنیدن یک ترک بسیار بسیار غم انگیز و با ترکی با سرعت خیلی بالا و دیوانه کننده همراه با لیریکی خیلی تلخ و تاریک آماده کردم، ولی وقتی آهنگ رو گوش کردم موسیقی و شمری کمی غم انگیز رو همراه با صدای کلین و زیبایی وکال شنیدم Psychotic Depression به نظر خودتون در ترک Psychotic Depression چقدر تونستید به اسم این ترک وفادار باشید ؟

علی : من این ترک رو که ساختم یک وکال دمو روش خوندم و اون تصویر ذهنی ای که ازش داشتم رو به آرش گفتم و آرش این حس رو کامل برداشت کرد و روش این لیریک رو گفت که من فکر می کنم نسبت به اون ترک که متفاوت ترین ترک آلبوم بود خیلی خوب بود و حسش رو خیلی خوب پیاده کرد.

D چقدر لزوم داره که در لیریک یک ترک و یا یک آلبوم، معنی بزرگ و فلسفی ای نهفته باشه ؟ اگر ترکی با موسیقی خوب ولی اشعار ساده ، واضح و غیر آرمانی ساخته بشه ، اون ترک فاقد ارزش مفهومیه ؟ چرا ؟

وحید : به نظر من اینطوری در مورد موسیقی نمی شه قضاوت کرد، هر موسیقی ای می تونه برای خودش با یک مدلی حرف بزنه، لیریک هم جزوی از اون موسیقی هستش، یک نفر می خواد با زبان ساده و یک نفر می خواد با زبان قوی تری صحبت بکنه و اینکه می خواد در مورد چی صحبت بکنه همه اینها بر می گرده به سلیقه که اون شاعر و اون موزیسین در کنار هم می خوان چه چیزی رو ارائه بدن.

منی تونیم بگیریم اون گروه که اشعارش خیلی قوی و فلسفی و خیلی پر هستش خیلی خوبه ولی گروهی که ساده تر صحبت می کنه خوب نیست، این معیار رو نمی شه قرار داد، می شه اینطور گفت که مهم این هست که اون چه چیزی رو می خواد بگه، نوع بیانش بر می گرده به اون شخصی که می خواد چطور ارائه بده.



د موزیکتون رو برای چه عده ای می سازید ؟ دوست دارید مخاطبهاتون چه کسانی باشند ؟

علی : ما موزیکمون رو قطعاً برای متال بازها می سازیم، و امکان داره شخصی هم متال گوش نده و راک گوش بده و از بعضی از ترکهای ما خوشش بیاد، اما چون ما موسیقیمون در ژانر متال هست دیدمون بیشتر رو افرادی هست که متال گوش می دن.

وحید : طبق صحبتهایی که کردیم چون ما خودمون هم مثل بقیه بچه ها طرفدار سبک متال هستیم به همون نسبت در این سیستم هم فکر می کنیم و اکثر مخاطبهامون کسانی هستند که مثل ما فکر می کنند، ما موسیقی ای که دوست داریم رو ارائه می دیم و کسانی که با طرز فکر ما ارتباط برقرار می کنن از موزیکمون لذت می برند، چون ما اول موزیک رو برای خودمون می سازیم که باهاش ارتباط برقرار کنیم و بعد از اون کسانی که هم سلیقه ما هستن ارزش لذت می برن.

د لیریکهای آلبوم In To the Mordab رو بر چه اساسی نوشتی ؟ تمام لیریکهای این آلبوم یک داستان رو دنبال می کنند ؟ مضمون این لیریکها چه ارتباطی با اسم این آلبوم دارند ؟

وحید : این اولین کاری بود که داشتیم ارائه می دادیم و چون اسم گروهمون مرداب هستش می خواستیم تصویری که از مرداب داشتیم رو در این آلبوم نشون بدیم، مرداب رو یک جای مجازی تلقی کردیم، جایی به اسم مرداب رو در نظر گرفتیم که یک نفر با توجه به شرایطی که داره و مریض هستش و از حالت عادی خارج شده به این مکان پناه میاره و لیریک آلبوم هم تا حدی به این داستان شباهت داره که انسان مریضی به جایی قرار کرده که با دنیای قبلیش فرق داره.

د طبق ارزیابی های خودتون تا الان موفق ترین ترکی که مرداب ساخته کدوم ترکه ؟ چرا ؟

وحید : ترک World Of Vaccum ، چون اگر سیوتر بود و ریف اولش خیلی حس سنگینی داره و خیلی بهتر آدم رو تخلیه می کنه، بلاخره هر ترک یک حس خاصی داره و انتخابش سخته ولی از نظر اینکه ترکی روی استیج خیلی خوب جواب بده World Of Vaccum خیلی ترک خوبیه.

د خودتون دوست دارید آثاری که تا الان ارائه کردید از لحاظ زیباشناسی بررسی بشه یا از لحاظ تکنیکی ؟ چرا ؟

علی : از لحاظ زیباشناسی و حس، ما در کارمون خیلی تکنیکها رو هم به کار بردیم ولی باز بیشتر دوست داریم از لحاظ زیباشناسی باهاش برخورد بشه

وحید : ما بیشتر دوست داریم آهنگ زیبا بسازیم تا اینکه بخوایم آهنگ تکنیکال بسازیم، یک مصاحبه ای از یکی از گروههای مورد علاقمون که می خوندم گفته بود ما آهنگ نمی سازیم که نشون بدیم می تونیم نوازندگی کنیم ما می خوایم آهنگ زیبا بسازیم، و حرف ما هم دقیقاً همین هست.

د چرا لیریک بعضی از ترکها مثل ترک World Of Vaccum رو ترکیبی از انگلیسی و فارسی نوشتی ؟

وحید : خب این موضوع بر می گرده به همون سلیقه و نمی شه گفت که این کار درسته یا غلطه و الان این بحث، بحث داغ بین بچه های ایران شده، بعضی ها می گن ما ایرانی هستیم و باید ایرانی بخونیم و بعضی ها هم می گن نه موزیک غربی هستش فارسی نباید خوند، اصلاً نمی شه اینطور برخورد کرد و بر می گرده به حس و انتخاب شاعر و آهنگساز.

در کارهای قبلمون این کار رو کردیم و خوب هم در اومد و چون وکال هم دیستورت بود خیلی ها بعد از چند بار گوش کردن متوجه این مطلب می شدن، ولی در آلبوم جدیدمون به این دید رسیدیم که اگر بخواد آلبوممون در کل دنیا پخش بشه و یک نفر مثلاً در برزیل بخواد باهامون ارتباط برقرار کنه و از کارمون لذت ببره از زبان اصلی که انگلیسی هستش استفاده کنیم، و در این آلبوم برای حرفه ای و بین المللی شدن این سیاست رو در نظر گرفتیم.

د اگر می تونستید در هر کشوری که دوست داشتید به فعالیتتون ادامه بدید، کدوم کشور رو انتخاب می کردید ؟ ایران ؟

علی : بله، صد در صد ایران.

د موقع نوشتن موسیقی، خودتون رو سانسور هم می کنید ؟ مثلاً شده یک قطعه ای بنویسید که به نظرتون خیلی جدید و جذاب باشه ولی به خاطر اینکه شاید این نوآوری مورد پسند مخاطب قرار نگیره اون قطعه رو حذف کنید ؟

علی : فکر می کنم هر گروهی قطعاً از بین ترکهای که می سازه بهترین ها رو با نظر جمعی گروه انتخاب می کنه، ما ترکی که حس بهتری بهمون بده رو انتخاب می کنیم.

وحید : ما موزیکمون رو با بچه ها گوش می دیم و هر کدوم با توجه به سلیقه هایی که داریم ترکها رو انتخاب می کنیم و همیشه سعی می کنیم بهترین رو انتخاب کنیم، یعنی هر پارت و هر ریفی که می سازیم بهترین باشه تا نتیجه خیلی خوب و قوی در بیاد.

د در ایران خیلی ها بر این عقیده هستند که یک آهنگ تا حد ممکن نباید از اصول کلاسیک آهنگسازی خارج بشه، بیشتر بندهای داخلی ای هم که سعی می کنند کمی این اصول رو بشکنند به تقلید از بعضی از بندهای خارجی این کار رو انجام می دن، خیلی از آلبومهای داخلی ای که می شنویم ما رو یاد آلبومهای اوایل دهه ۹۰ می اندازند و اگر سال انتشار آلبوم رو نخونیم نمی تونیم بفهمیم که فلان آلبوم مثلاً محصول سال ۲۰۱۱ هستش، حس نمی کنید که این مشکل نوآوری کم بندهای داخلی به این دلیل که کمتر کسی جرات می کنه اصول رو اونطور که می خواد تغییر بده به این دلیل که با انتقاد شدید دیگران مواجه می شه ؟

فکر نمی کنید این مشکل خود سانسوری در آهنگسازی، در ایران به یک مشکل بزرگ تبدیل شده ؟
علی : به عقیده من بعضی از گروهها که نوآوری کمتری دارن به این دلیل هستش که عجله دارن، یعنی صرفاً می خوان یک کاری رو زده باشن، ما آلبوم ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ رو بدون اینکه بخوایم بگیم ما اینیم بیرون دادیم، اصلاً همچنین دیدی نداشتیم، فقط می خواستیم یک موسیقی خوب و متفاوتی رو بنا به اون چیزی که از بچگی گوش کردیم و ناخودآگاه به رومون تاثیر گذاشته ارائه بدیم، من فکر می کنم تنها چیزی که باعث می شه خیلی از گروههای ایرانی در سبک راک و متال نتونن اون نوآوری ای رو در کارشون داشته باشن این هستش که عجله می کنن تا یک کاریو فقط تولید بکنن، ما برای Darker than In To the grave دو سال زمان گذاشتیم، برای Mordab خب من به جرات می تونم بگم از ۱۱-۱۲ سالگی آهنگ ساختم و در آخر این تجربه ها جمع شده و ۱۰-۱۱ سال بعدش اومدیم این تجربه ها رو پیاده کردیم که باعث شد ۲-۳ تا از ترکهای این آلبوم کاملاً از نظر حس با گروههای ایرانی و هم خارجی

متفاوت بشه، برامون خود موسیقی خیلی اهمیت بیشتری داره تا اینکه بخوایم چند ماهه یک کاری رو جمع بکنیم و عجله داشته باشیم، ما عجله ای نداریم، برای آلبوم جدیدمون هم ۳ سال وقت گذاشتیم و تا ۲-۳ ماه دیگه توسط یک لیبل خوب میاد بیرون.

وحید: این خیلی مهمه که یک گروه می خواد روی چه حسابی بند باشه و موزیک بسازه، من در ایران بعضی ها رو می شناسم که صرفا دوست دارند بند باشن و وارد قضیه مارکتینگ متال بشن و ... در حالی که نباید اینطور باشه، یک گروه خوب گروهیه که قوی هستند و تجربه دارن و یکسری شرایط رو طی کردن و می تونن حرف جدیدی رو بززن و برای کارشون وقت می دارن، و مهم اینه که بتونن حسشون رو انتقال بدن نه اینکه فقط آهنگ بسازیم که معروف بشیم، به قول قدیمی ها که می گن از دل بر آید بر دل بشیند، دقیقا موسیقی هم همینه، اگر بخوایم زورکی آهنگ بسازیم که چند نفر هم گوش بدن کار مصنوعی در میاد.

د: خلاقیت رو مردم بهتر درک می کنند یا منتقدها؟
علی: قطعا منتقدها، چون تجربه و علمشون بالاتر هستش.

وحید: هم منتقدها و هم کسانی که شاید منتقد نباشن ولی سالهای زیادی موزیک گوش دادن، اونها هم می تونن مثل یک منتقد در مورد موسیقی صحبت بکنن.

د: بهترین خبری که می تونیم از بندتون بشنویم؟
علی: بهترین خبر آلبوم جدید هست که داریم تمام انرژیمون رو براش می ذاریم، کما اینکه خودت در

استدیو حضور داری و الان داریم وکال ترک ۸ رو رکورد می کنیم و چیزی نمونده که کار از طرف یک لیبل خیلی خوب اکسپت بشه و فکر می کنم تا اوایل تابستون خبر منتشر شدن آلبوم رو توسط لیبل بدیم اما نمی تونیم قول بدیم اون سی دی در ایران پخش بشه، ولی تمام سعی خودمون رو می کنیم که اگر آلبوم توسط یک لیبل گرفته شد بتونیم یک نسخه هایی رو ازش به ایران بیاریم و پخش کنیم.

وحید: خبر خوب دیگه این هست که بعد از چندین سال، بعد از پیوستن شاهین جبلی به گروه یک درامر ثابت پیدا کردیم و واقعا در آلبوم جدیدمون توانایی های این درامر رو همه گوش می دن که چقدر کار متفاوت شده و از همه مهمتر پیوستن شهروز گودرزی که واقعا یکی از بهترین وکالیستهای ایران و همچنین آیدین زاهدی که سولوئیستمون هستش و در این آلبوم سولوهای کار رو به همراه علی به عهده گرفتن، و این خبر خیلی خوب و مهمه که یک گروهی، چنتا رفیق باهم شروع به کار حرفه ای کنن و باهم دیگه بتونن یک هدفی رو دنبال بکنن و خوشبختانه بعد از این همه سال به جایی رسیدیم که line up گروه کامله و آماده استیج هستیم، چون یک گروه متال روی استیج می تونه خودش رو نشون بده و خوشبختانه الان این آمادگی رو داریم.

د: در آخر چه درخواست یا صحبتی با طرفداران مرداب و موسیقی متال دارید؟

علی: موسیقی متال کلا طوری هست که در ایران حاشیه ای که داره بیشتر از خودش، این چیز خوبی نیست، خود اصل موسیقی مهمه، همین که یک

موسیقی داره ساخته می شه، تو کنسرت می ری و یک گروه رو روی استیج می بینی، همه اینها یک قضیه ای داره که اون هم اصل متاله، اینکه ساپورت بشه، و ساپورت این داستان از همه چیز مهمتره.

وحید: در راستای صحبت های علی می تونم این رو اضافه کنم که ما همه یک جمعیم، درسته اسم یک گروه هست مرداب و یک گروه دیگه آژیراک و خیلی گروه های دیگه که دارن خوب کار می کنن، ما یک خانواده هستیم به نام متال و باید پشت هم باشیم، کما اینکه این همبستگی رو در سبک رپ داریم در ایران می بینیم که چقدر خوب دارن باهم کار می کنن و باعث شده سبکشون اینقدر خوب خودش رو نشون بده، خب چرا ما در موسیقی متال که خیلی غنی تر هستش و حس عمیقتری داره این کار رو نکنیم، به هم کمک کنیم، اگر به فرض گروهی می خواد رکورد کنه و من یک تجربه ای دارم که باعث می شه اون گروه بتونه رکورد بهتری انجام بده چرا این کمک رو دریغ کنم، دست به دست هم بدیم و این سبک رو در ایران قوی تر بکنیم، تنها خواسته من همینیه که اگر طرفداران مرداب به این گروه علاقه دارن و خیلی باعث افتخار مرداب هستش که طرفدارای خوبی داره، به گروه های دیگه هم همون حس رو داشته باشند، اختلاف سلیقه همه جای دنیا هست، طرز بیان مهمه.

ممنون از وقتی که در اختیار دیوان قرار دادید.
متشکرم سامان جان.

DIVAN

THE FIRST EXCLUSIVE ROCK AND METAL MAGAZINE IN IRAN

WWW.DIVANMAGAZINE.COM

موسیقی جهان

MUSIC IN WORLD

ROCK & METAL

INDUKTI

AN INTERVIEW DIVAN
WITH INDUKTI

PLAGUE OF BUTTERFLIES در حقیقت

یک ترک بود که به سه قسمت تقسیم و در غالب سه ترک مجزا با عنوان یک EP عرضه شد.

محتوای لیریک این ای پی در مورد انسان منزوی پیرست همراه با تنهایی ها و افسردگی هایی که او را عذاب می دهند.

در سال 2009 PASI PASANEN در SWALLOW THE SUN از گروه جدا شد و

سه روز بعد از رفتن او ، KAI HAHTO درامر بند WINTERSUN جای آن را گرفت.

NEW MOON آخرین آلبوم و برجسته ترین اثریست که تا به امروز SWALLOW THE

SUN منتشر کرده است.



دیسکوگرافی :

OUT OF THIS GLOOMY LIGHT DEMO-2003

THE MORNING NEVER CAME FULL-LENGTH-2003

FORGIVE HER... SINGLE-2005

GHOSTS OF LOSS FULL-LENGTH-2005

DON'T FALL ASLEEP (HORROR PT. 2) SINGLE-2007

HOPE FULL-LENGTH-2007

PLAGUE OF BUTTERFLIES EP-2008

NEW MOON SINGLE-2009

NEW MOON FULL-LENGTH-2009

و توانایی تاثیرگذاری روی شنونده را داشته باشد و یک رنگ با موسیقی باشد، مخاطب، هم با تاثیر گرفتن از فضای موسیقی و هم با تاثیرگرفتن از فضای شعری می تواند نهایت لذت را از مثلا یک ترک و یا یک آلبوم ببرد. در صورتی که موسیقی مورد نظر قدرت در بر گرفتن شنونده را داشته باشد و کلمات شعر همراه با حس کلمات بیان شود و موسیقی و کلام ؛ هر دو ، در یک جهت به کار گرفته شوند.

SWALLOW THE SUN تمام این ویژگی ها را دارد، البته نه در تمام آثارشان. از آلبوم GHOSTS OF LOSS-2005 کم کم می بینیم که آهنگها دارای این ویژگی ها می شوند ولی هنوز به آن پیوستگی ای که در آلبوم HOPE-2007 نمودش را می بینیم نرسیدند. در آلبوم HOPE و ترکهایی از جمله، THE HOURS OF DESPAIR ، DON'T FALL ASLEEP ،

تغییرات و پیشرفتهای زیادی هستیم. از آلبوم HOPE بود که SWALLOW THE SUN طرفداران زیادی روا به خود جذب کرد و به این صورت که الان می بینیم شناخته شد.

در این آلبوم دو وکالیست مهمان حضور دارند، KATATO- JONAS RENKSE وکالیست NIA در ترک THE JUSTICE OF SUF- و FERING TOMI JOUTSEN وکالیست بند AMORPHIS در ترک THESE LOW LANDS (در غالب BONUS TRACK در ورژن ادیشن همین آلبوم).

قبل از انتشار GHOSTS OF LOSS ، یکی از ترکهای این آلبوم به اسم FORGIVE HER... را به صورت SINGLE پخش کردند که شماره 4 چارت فنلاند و به مدت 6 هفته در 20 ترک برتر چارت بود و بعد از انتشار آلبوم ، GHOST OF LOSS در رتبه 8 چارت قرار گرفت.

سپس در سال 2007 ، سینگل DON'T FALL ASLEEP (HORROR PT.2) همراه با کلیپ همین ترک همزمان با هم در 10 ژانویه پخش شد که این سینگل هم به مدت دو هفته رتبه 3 را داشت و به مدت 3 هفته در بین 20 ترک برتر چارت فنلاند بود. در سپتامبر سال 2008 ، PLAGUE OF BUTTERFLIES پخش شد.

SWALLOW THE SUN در سال 2000 توسط

گیتاریست گروه JUHA RAIVIO در فنلاند ، در سبک MELODIC DEATH DOOM METAL تشکیل شد.

تقریبا تمام آن چیزی رو که چه در موسیقی و چه در اشعار گروه می شنویم حاصل کار JUHA RAIVIO هست.

در بیشتر ترکهای SWALLOW THE SUN میبینیم که سولوها در تمام ترک پخش شده و حتی گاهی به عنوان ریتم استفاده می شوند، در مقایسه با بندهای هم سبک خودشان خیلی کمتر بر روی فضا سازی با استفاده از سولوهای بلند و کش دار کار می کنند، می شود گفت که SWALLOW THE SUN بیشتر وقت خود را صرف ساخت ریتم های جذاب می کند.

یکی از ویژگی هایی که باعث شد این بند، از گروهی زیرزمینی و گمنام به یکی از بزرگترین و پرطرفدارترین بندهای DOOM METAL تبدیل شود ؛ وجود ریتم های خاص ، زیبا و پر انرژی در آثار این گروه می باشد، همچنین صدای زیبای وکالیست گروه در هر سه حالت CLEAN ، GROWL و SCREAM ، نقش به سزایی در پیشرفت این بند داشت. یکی از ویژگی های مثبتی که در کار MIKKO KOTAMÄKI وکالیست گروه وجود دارد، این هست که هنگام خواندن، کلمات را احساس می کند، یعنی اینطور نیست که فقط سعی کند متن را زیبا بخواند، خیلی از وکالیست هایی که نمی توانند با استفاده از شعر روی مخاطب تاثیر بذارند به این دلیل هست که تمام حواسشان را بر روی تلفظ کلمات متمرکز می کنند، در این صورت شاید حتی حاصل کار زیبا باشد ولی نمی تواند عمیق و تاثیرگذار باشد، یکی از دلایلی که اشعار SWALLOW THE SUN خیلی تاثیر گذار هستند همین موضوع که MIKKO KOTAMÄKI کلمات و اشعار را هنگام خواندن احساس می کنه، حس کردن کلمات و گرفتن حس کل لیریک و خواندن کلمات همراه با احساسی که در آنها نهفته است باعث می شود که مخاطب با موضوع لیریک هم زاد پنداری کند و جزوی از اثر گردد.

در سبکی مثل DOOM که فضا سازی یکی از عناصر اصلی هست، هنگامی که لیریک خوب کار شده باشد



MIKKO KOTAMÄKI - VOCALS
JUHA RAIVIO - GUITARS
MARKUS JÄMSEN - GUITARS
MATTI HONKONEN - BASS
ALEKSI MUNTER - KEYBOARDS
KAI HAHTO - DRUMS

بندهای بزرگ فیونرال ترکهای رو از SKEPTICISM که از پایه گذاران فیونرال است کاور کردند، که SHAPE OF DESPAIR یکی از آنها بود.

در سال 2010 یک EP به نام WRITTEN IN MY SCARS منتشر کردند که نسبت به آثار قبلی بند کمی ضعیفتر کار شده بود که البته بیشتر برای نشون دادن فعال بودن بند منتشر شد و در حد یک ای پی که پس از گذشت 6 سال از آخرین فعالیت SHAPE OF DESPAIR منتشر شد راضی کننده بود.

دیسکوگرافی :

ALONE IN THE MIST (RAVEN) DEMO - 1998
PROMO TAPE (RAVEN) DEMO - 1998
SHADES OF... FULL-LENGTH - 2000
ANGELS OF DISTRESS FULL-LENGTH - 2001
ILLUSION'S PLAY FULL-LENGTH - 2004
SHAPE OF DESPAIR COMPILATION - 2005
WRITTEN IN MY SCARS EP - 2010

NEN (و کال سابق AMORPHIS) و همچنین حجم صدای بالای اون به همراه صدای لطیف و زیبای NATALIE KOSKINEN (خواهر PASI)

تاثیر عمیقی بر روی شنونده می گذاره. فضا سازی هایی که توسط ویولون و سینتی سایزر انجام می شه بسیار غم انگیز و از جمله شاخصه های آثار SHAPE OF DESPAIR هست. لیریکهای SHAPE OF DESPAIR رو اشعاری کوتاه، فلسفی (مفهومی) و بسیار قابل تأمل تشکیل می دهند که مضمون آنها "اغلب" در مورد تنهایی، ناامیدی، جدالهای روحی و زندگی هستش. متأسفانه در سالی که گذشت، یعنی در سال 2010، PASI KOSKINEN که یکی از نقاط قوت SHAPE OF DESPAIR به شمار میومد پس از پخش ای پی WRITTEN IN MY SCARS از بند جدا شد.

SHAPE OF DESPAIR تا به الان 3 آلبوم کامل رو به نامهای SHADE OF... (2000), ANGELS OF DISTRESS (2001), ILLUSION'S PLAY (2004) منتشر کرده، در سال 2005 هم یک COMPILATION رو منتشر کردند که برگزیده ای از آثار بند بود، همچنین در سال 2007 آلبومی تحت عنوان ENTERING THE LEVI-TATION: A TRIBUTE TO SKEPTICISM منتشر شد که

بند RAVEN در سال 1995 در فنلاند، توسط JARNO SALOMAA: LEAD TONI RAE- و GUITAR, SYNTH HALME: VIOLON تشکیل شد، بعد از گذشت 3 سال، یعنی در سال 1998 یک DEMO و یک PROMO TAPE را منتشر کردند و سپس نام خودشان رو به SHAPE OF DESPAIR تغییر دادند.

SHAPE OF DESPAIR یکی از بندهای بزرگ و تکرار نشدنی در سبک FUNERAL DOOM است که 2 آلبوم ANGELS OF DISTRESS و ILLUSION'S PLAY برای همیشه در خاطر دوستداران این سبک زیا خواهد ماند. همچنین ترک ANGELS OF DISTRESS یکی از شناخته شده ترین و زیباترین آثاریست که تا به حال در بین تمامی آثار فیونرال ساخته شده.

در بین بندهای متعدد فیونرال، SHAPE OF DESPAIR از معدود بندهاییست که امضای خودش را در تمام آثارش حفظ کرده، شاید اگر فقط چند ترک از این بند را بشنوید و بعدها به صورت اتفاقی یکی از ترکهای را که تا به حال از این بند نشنیده بودید را بشنوید، بتوانید خیلی راحت تشخیص بدهید که آن ترک متعلق به SHAPE OF DESPAIR هست.

صدای فوق العاده قوی و کوبنده PASI KOSKI

JARNO SALOMAA
NATALIE KOSKINEN
TOMI ULLGREN
SAMU RUOTSALAINEN
SAMI UUSITALO

Shape Of Despair

گری مور هنوز بلوز می نوازد

اما **Adifferent beat** و **Dark days in paradise** تجربه های متفاوت و نسبتاً تاریکی برای گری بود تجربه هایی که به هیچ وجه از سوی طرفداران استقبال نشد و با **Back to the blues** بود که مور بازگشتش را به بلوز با ترک آغازین **Enough of the blues**, **you upset me baby**, **pictures of the moon**, و ترک پایانی **Drowning in tears** اعلام میکند جایی که پر از ریف های تند و کال غرنده بلوز شیکاگویی و ریتم های سنکوپ است.

در حالی که ساخته های قبلی مور کمی خارج از کنترل و متمایل به نوازندگی **Heavy metal** و **Hard rock-blues** بود در **Power of the blues** یاد گرفت چگونه قدرت نوازندگی اش را تحت کنترل در سبک شخصیش یعنی الکتریک-بلوز نمایش دهد.

اما بر خلاف **Old new ballads blues** که گری در آن ملودی های اصلی به همراه بعضی کاور های جذاب بلوز را ارائه داده بود.

نوازندگی بلوز نشان می دهد آلبومی که یکی از بهترین آلبوم های بلوز-راک در سال 2007 بود.

Bad foe you babay که آلبوم آخر گری بود جایی است برای ارائه ی استرینگ های زبر و خشن و موسیقی هارد راک و بلوزی که گری در سال نود در آلبوم **Still got the blues** خود نشان داده بود.

مور در زمان مرگ دو فرزند با نام های **Jack** و **Gus** از ازدواج نا موفق اش داشت کسی که چهل سال از عمر شصت ساله خود را صرف نوازندگی کرد و یکی از تاثیر گذار ترین چهره ها و الگویی برای نوازندگان بعد از خود بود و شاید به این خاطر است که همواره باید به یاد داشته باشیم گری مور هنوز هم بلوز می نوازد.

همگام با زمان، تبحر مور در نوازندگی بیشتر شد طوری که پا جای پای استادان گذاشت و علاوه بر اجراهای فراوانی که با بزرگانی چون جورج هرینسن، جیک بروس، ویکی برون و آزی ازبورن داشت نوازندگان بزرگی چون زک وایلد، آدریان اسمیت و حتی کرک همت تحت تاثیر او بودند. یکی از ویژگی های گری حوزه فعال او در سبک های مختلف بود. او در بند **Colosseum II** جز فیوژن یا جز راک کار می کرد راک و هارد راک نیز از سبک هایی بود که کارش با **Skid Row** و **Thin Lizzy** (گروهی که از ابتدا فیل لینوت رهبر آن بود و ترک ویسکی ین یندجار آن ها بعد ها توسط متالیکا کاور شد) شامل آن ها می شد.

اما مهمترین کار گری آلبوم های سولویش بود که آن ها را با همکاری تینی چند از نوازندگان ارائه می داد: **Parisienne Walkway** و **Grinding Stone** اولین آلبوم های سولوی او بودند که او آن ها را با مساعدت دوست همیشگی اش فیل لینوت انجام داد. محبوبیت آلبوم ها ی سولوی مور به موازات آلبوم هایی که همراه با بند تین لیزی انجام می داد رو به افزایش بود همچنین در سال ۸۷ گری با همراهی کمپانی **UK charity** ترک **لد یتبی** را با سولوی زیبای خود کاور کرد که این بر محبوبیتش افزود.

Still got the blues آلبومی که آن را با همراهی **Albtrt king albert**, **Albert Collins**, **Goerge Harrison** انجام داد پلی بود از هارد راک گری یعنی **After the war (still got the blues)** به آلبومی که موفق ترین کار گری از نظر طرفداران بود.

Fevrie. 2011 یکی از برترین نوازندگان بلوز-راک و عضو سابق بند ایرلندی تین لیزی با مرگش دنیای موسیقی را تحت تاثیر قرار داد.

گری مور کسی که هرگز بلوز را رها نکرد در اتاق هتلش در استیونای اسپانیا در حالی که در تعطیلات بسر می برد به دلیل حمله ی قلبی دار فانی را وداع گفت و انگشتانش بعد از سال ها رقص بر روی دسته ی گیتار مجال استراحت یافتند اما این مرگ ناگهانی و تکان دهنده بود که هنوز باورش سخت است که بیندیشیم دیگر نه از گیتار گری صدایی خواهد برخاست نه از هجره اش.

مور در بلفاست ایرلند به دنیا آمد. او به همراه پنج فرزند دیگر در خانواده ای ناهنجار زندگی می کرد و به همین علت بود که در نوجوانی به همراه رویاهای بزرگ یک موزیسین شهرش را ترک کرد و درست یک سال بعد والدینش از یکدیگر جدا شدند. هشت سال بیشتر نداشت که با گیتار اکوستیک خود اموخت چگونه با دست راست بنوازد در حالی که چپ دست بود. مور در شانزده سالگی در دوبلین به بند اسکید رو پیوست جایی که برای اولین بار فیل لینوت را ملاقات کرد و این ملاقات زمینه ی همکاری های بعدی با او شد.

موزیسین جوان همچون هم دوره ای های خود تحت تاثیر بزرگان زمان کسانی چون الویس پریسلی و بیتل ها بود و جیمی هندریکس ها بودند که باعث شدند گری بلوز-راک را به عنوان سبک خاص خود در نوازندگی برگزیند. اما یکی از نوازندگان راهنمای او زمانی که در دوبلین فعالیت می کرد پیت گرین بود کسی که گیتارش را به گری قرض داد و شاید به دلیل ارادت فراوان گری به او بود که در آلبوم سال نود و پنج خود با نام (بلوز برای گرینی) ساخته های گرین را با وسیله گیتارش اجرا کرد.



GARY MOORE





اینجا شرق است...

...جایگاه کلمه حق انسا میل هر
سبک شکست می شود!



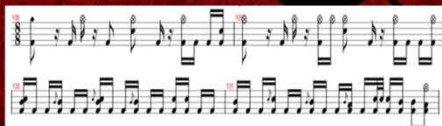
از ریتم های معروفی که در موسیقی اکثر کشورهای خاورمیانه می توان شنید

پس از این ملودی، قطعه دچار فرودی تدریجی می شود و در میزان ۷۶ تمپوی خود را ۳/۱ کاهش می دهد و خود را برای رسیدن به بخش کاملاً فولک و آرامش بخش نوای فلوت های عربی (کاوالا) و نی آماده می کند. در اینجا با یک تغییر گام روبرو می شویم که ملودی فلوت ها آغازگر آن است. کمی جلوتر ، ملودی به گیتار الکتریک سپرده می شود و فلوت و نی از قطعه خارج می شوند. معجزه این بخش این است که با تغییر نقش سازها در برخورد با ملودی اصلی ، هیچ گونه خلانی در حس اصلی برای مخاطب ایجاد نمی شود. سازهای فولک به زیبایی جای خود را به قاری قرآن می دهند و گیتار، ادامه دهنده ملودی آنها می شود. گام این ملودی A FLAT HARMONIC IC MINOR (لا بمل مینور هارمونیک) و یا همان E FLAT SPANISH MINOR (می بمل مینور اسپانیسی) می باشد. برای نواختن پاورکوردها ، این بخش حداقل نیازمند یک گیتار ۷ سیم و یا ۶ سیم اما حداقل با کوکی دو پرده بم تر است.

میزان ۱۲۴ و ۱۲۵ (ملودی)



درام این بخش ، درامی فوق العاده است که توانسته به خوبی از عهده تلفیق کوبش ریتم شرق و غرب در یکدیگر برآید. در فیگور های زیر چند میزان از ریتم های درام را می توانید مشاهده کنید. (اساس نت نویسی درام نرم افزار GUITAR PRO بوده که بدون کلید است. میزان های ۱۰۸-۱۰۹ ، ۱۳۰-۱۳۱)



ریتم ها و پاورکورد ها به همراهی ملودی اصلی، از گام قبلی فرار می کنند و تقریباً به تمپوی قبلی خود بازمیگردند و خود را به ریتمی در می مینور MINOR می رسانند. در این بخش صدای جشن و سروری به همراه صدای به هم خوردن شمشیر به گوش می رسد که احتمالاً رقص شمشیری است به نشانه پیروزی مبارزین نور. من به شخصه، این بخش و ریتم آن را رستگاری و پیروزی می نامم. ریتم بعد از میزان ۱۶۴ شروع می شود که آغازش با یک سنکپ است. پس از تکامل این ریتم، در میزان ۱۸۱ با ریتمی دیگر روبرو می شویم که تماماً دارای اکسان دینامیک است. محل تلاقی این ریتم با ارکستر دارای حسی

در یکدیگر فنا شده اند و اینجا ، همان جایست که انسامبل هر سبک شکسته می شود و کاملترین طرح و پروژه متال شرقی به ارمغان آورده می شود.

این قطعه دارای ریتم ها، ملودی ها ، ریتم ها و میزان بندی های با شکوهی است که گذشتن از آنها و بیان نکردن نقاط قوت آن خالی از لطف است.

آغاز قطعه ، آغازی هموفونیک (هم صدا و در راستای یک ملودی) برای گیتار و خواننده است که هر دو به بیان یک ملودی می پردازند و جای خود را به یک ریتم زیبای متال می دهند که به بررسی آن می پردازیم. (میزان ۱۷ تا ۲۱)



میزان ۱۷ و ۱۸



میزان ۱۹ و ۲۰

در این ۴ میزان ما با دو گام با دو حس شرقی نزدیک به هم روبرو هستیم. در ۳ میزان اول این ریتم ، از گام یهودی و یا همان مینور اسپانیسی استفاده شده و در میزان آخر آن نیز از گام مینور هارمونیک.

گام این ریتم A (لا) مینور اسپانیسی است (یا همان گام D (ر) مینور هارمونیک) که این گونه ساخته می شود:

درجه دوم، ششم و هفتم گام الگو (C ماژور) پایین کشیده شود (بمل شود) .



دو مینور اسپانیسی با درجات ۲ ، ۶ و ۷ که بمل گشته

پس از مانوری بر روی این تم و ریتم، نوبت به بازی با میزان ها و زمان بندی ها می رسد که از خصوصیات بارز ریتم در موسیقی شرق، میزان های لنگ آن است . برای مثال میزان های ۴۹ تا ۵۲ که در آن ملودی جدیدی معرفی می شود ، با دو میزان ۸/۱۶ و ۸/۱۴ ، نوایی کاملاً شرقی به خود گرفته.

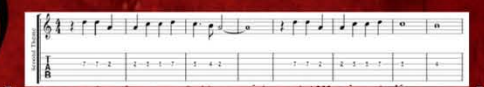


در شماره ۴ بخش اول بررسی آلبوم ۲۰۱۰ گروه ORPHANED LAND به همراه مصاحبه ای با خواننده گروه، کوبی فرهی، گنجانده شده بود. در ادامه ، بخش دوم و پایانی این نقد را با قطعه ی THE WARRIOR (مبارز) آغاز می کنیم. فضایی شبیه به مارش عزا در ابتدای کار، ماهیتی سنگین و حزن انگیز به قطعه بخشیده. وکال ، به همراه STRING های کیبورد به این فضای حزن آلود، حسی حماسی را می افزاید. تمام قطعه حول دو تم شکل می گیرد که تا پایان قطعه در وکال ، کیبورد و علل خصوص تکنوازی گیتار الکتریک می توان به راحتی شنید. هر دو تم این قطعه در ایجاد حس حزن و سپس پیروزی و نشاط نقش اصلی را ایفا می کنند. برای اولین بار در مسیر این آلبوم، با تکنوازی طولانی گیتار الکتریک روبرو هستیم که تقریباً بیش از نصف قطعه را به خود اختصاص داده.

بخش تکنوازی گیتار، راوی داستان مبارزی است که از غفلتی طولانی بیدار شده و می خواهد " چون سفالینه ای ، حقیقت خود را شکل دهد " و " ماه ، ستارگان و خورشید خود را به تصویر بکشد " و " سوگند یاد کند که دیگر چون یک یتیم نباشد ". آنچه از لغت یتیم می توان درک کرد اصل بی ریشه گی و نا توانی ، وانهادگی و بی تعلقی است



تم اول قطعه که با چند واریاسیون مختلف در قطعه دیده می شود (تمپوی تقریبی ۱۲۰)



تم دوم قطعه با تمپوی تقریبی ۱۲۰ (براحتی می توان فهمید هر دو دارای یک نوع ریتم و موتیف هستند)

چنگ زدن به ادبیات دینی و کتب آسمانی در متون اشعار آلبوم نمایانگر فضای کاملاً مذهبی آن است. در این قطعه، ما سروده هایی از PSALM (مزامیر) تورات را می شنویم که بیانی عرفانی از سرشت الهی یک انسان است، بوی عرفان شرقی را می دهد ولی با موسیقی غرب یگانه شده تا با هنر خوانندگی کوبی، شرق تا غرب زمین را تحت سیطره موسیقی خود قرار دهد (ما شاهد تغییر گام ها بطور متداوم هستیم بطوریکه هیچ ثباتی در گام نیست و هر لحظه با تغییر حس خود ، مدام گذری می زند به شرق و غرب). قطعه برگش پژمرده نخواهد شد امید ی است برای انسانی غرق شده در نا امیدی و تاریکی.

قلب این آلبوم، قطعه شاگردان سوگندی مقدس (۲) است ، که خواندن این قطعه، نیازمند مهارتی فوق العاده است، همانطور که در مصاحبه با کوبی، وی بیان کرده بود تنها برای بخش قرائت قرآن این قطعه یک ماه تمرین کرده تا بتواند چون قاری ها، آیه ۳۶ سوره ی النور را بخواند. به نظر من این قطعه پروگرسو دت متالی است که بر روی فولک خاورمیانه ای بنا شده، گویی دیگر درام و گیتار الکتریک بخشی از انسامبل فولک شده اند و سازهای فولک نیز با خشم کوارتت متال یگانه شده اند. فلوت عربی (کاوالا) ، دیوان (باقلما) و ... گاه به عنوان همراه ملودی ها و ریتم های گیتار و گاه به عنوان لید و راهبر گیتار ، عدالتی را برای هر دو سبک ایجاد کرده اند که انکار



میزان یک و دو (ن ت سل دیز)



میزان سوم



میزان یازده (گیتار دوم و نواخته شدن فاصله سوم ملودی اصلی و بکار شدن نت سل)



نت لا دیز، لا بکار و لا بمل (سل دیز) و ر بمل (دو دیز) که حس لا ماژور دوبل هارمونیک را در ریف ایجاد کرده اند

گام ماژور دوبل هارمونیک، کاملاً حسی شرقی دارد و تا حدودی برای غربی ها بیگانه است. عموماً آن را در زمره مقام های عربی و بطور کلی گام عربی قرار می دهند، هر چند که نام دیگر آن گام بیزانسی (BYZANTINE SCALE) است و معادل تقریبی این گام در دستگاه های ایرانی، دستگاه چهارگاه است. دلیل گذاشتن نام دوبل هارمونیک آن وجود فاصله دوم افزوده ای است که مشخصه اصلی هر دو گام مینور و ماژور هارمونیک است با این تفاوت که این گام علاوه بر داشتن این فاصله دوم افزوده بین درجات ۶ و ۷، یک فاصله دوم افزوده دیگر بین درجات دو و سه دارد. (فاصله افزوده دوم، شامل یک و نیم پرده میان دو نت است. برای مثال بین نت فا و سل یک پرده فاصله است، حال اگر فاصله آنها را به یک و نیم پرده برسانیم، مثلاً با دیز کردن سل، آنگاه دوم افزوده خواهیم داشت)



هرکس قادر به تجربه ای منحصر به فرد از احساس است. حماسه، مرثیه، پیروزی، جشن، سوگ، هیجان، عرفان و ... بازه ای از این احساسات بود که تا کنون با هم در مسیر بررسی این آلبوم تجربه کردیم

موسیقی ORPHANED LAND غیر قابل پیش بینی است که هم تراز های آن OPETH، DREAM، THEATER و چند گروه انگشت شمار دیگر است. برای موسیقی مثال حکم GUSTAV MAHLER در موسیقی کلاسیک را دارد، موسیقیدانی که به گفته VALERY GERGIEV رهبر ارکستر روسیه، موسیقی او غیر قابل پیش بینی است و بازه ای از احساسات گوناگون در آن نهفته.

مرموزترین ریف آلبوم، ریف آغازین قطعه BARA-KAH (برکت) است که این ریف چهار میزانی نیازمند کمی بررسی است. این ریف در این چهار میزان با تغییرات گامش، همزمان دو حس تاریک و روشن و سپید و سیاه را به مخاطب القا می کند. دو مساله در این ریف خودنمایی می کند: اول، میزان بندی متنوع آن (۴/۳، ۸/۷ و ۴/۶) که فرصتی را برای خلاقیت نوازنده درام ایجاد کرده و دوم، استفاده از سه گام مختلف که به بررسی تک تک آنها می پردازیم.

حضور گام لا مینور هارمونیک در دو میزان اول با توجه به نت سل دیز (#G)، لا مینور (با توجه به رفع شدن و بکار شدن نت سل G که البته تنها در ملودی فاصله سوم ملودی اصلی گیتار دوم مشاهده می شود) و چند نت مرموز در اواخر میزان چهارم که بیانگر گام لا ماژور دوبل هارمونیک است. بطور مختصر، توضیحی در باب این گام قدیمی که با چندین اسم مختلف شناخته می شود، می دهیم.

چند ریتمی است. قطعه با یک ملودی به سولوی گیتار می رسد و با همان ریف رستگاری و پیروزی خاتمه میابد.

" دیوارها، این شهر زرین را همچو تاج خاری احاطه کرده اند، آیا این ناله ها را پایانی خواهد بود یا اینکه تا ابد سوگوار می مانیم؟ "

این قطعه، ماتمی برای تمام کشته شدگان و به خون کشیده شدگان این سرزمین پیامبران است. ماتم و سوگی که حال، این قدرت را به مردم می بخشد تا اورشلیمی جدید بنا کنند.

"نظاره کن که چگونه به هنگام بنای اورشلیمی جدید خاطرات جنگ دوباره زنده می شود" اورشلیمی جدید، روای سرزمینی نا آرام و همیشه در جنگ است، زمانیکه " تمام مراتع سرسبز این سرزمین، طعم وحدتی را بعد این همه جدایی می چشد "

قطعه، بوزوکی و دیوان را راوی بیانانش می نماید و نواهای خواننده زن گروه SHLOMIT LEVI، تاثیر موسیقی آن را چند برابر می کند. در دقیقه چهارم، قطعه با سولوی گیتار کلاسیک وارد فضای اکوستیک می شود. سپس ملودی ارکستر به همراه صدای مردمانی می آید که احتمالاً در خیابان های اورشلیم در حال پرسه اند. بخش پایانی این قطعه از تکان دهنده ترین بخش های آلبوم است که مطمئناً درک حس آن برای ما ایرانی ها آسان تر است.

در قطعه بعدی (VAYEHI OR) از هیچ گونه ساز سنتی استفاده نشده و با توجه به کوتاه بودن مدت آن، می توان گفت حضور این قطعه تنها برای ایجاد توازن میان آرامش و تشویش در بین قطعات است.

MI ? (آیا من هستم ؟) را می توان بگونه ای یادآور قطعات قبلی تا به اینجا آلبوم دانست، زیرا در آن تلفیقی از هر دو تم قطعه THE WARRIOR و همچنین تکنوازی گیتار الکتریک در قطعه چهارم (مسیر، بخش دوم: سفری به سرزمین نور) به گوش می رسد. اگر هنوز به تنوع باور نکردنی آلبوم ایمان نیاورده اید، با این قطعه حتماً به این باور می رسید که: گروه ORPHANED LAND در قطعاتش، گاه با سازهای کوبه ای به اوج می رسد و گاه برای رسیدن به اوج، نیازی به سازهای کوبه ای نمی بیند (همچون این قطعه)، گاه مثال را در موسیقی خاوریش حل می کند و گاه برعکس، گاه آرامش را بزرگترین تشویش موسیقی خود می کند و گاه شلوغ ترین وضع آن را تبدیل به آرامشی تکرار نشدنی. با قطعات این آلبوم



قطعه بعد (رمز عملیات : شورش) با یک AT-
TACCA از قطعه قبل آغاز می شود. (ATTACA به
معنای یورش بردن از پایان یک قطعه به قطعه بعد
است بطوریکه قطعه اول با عجله وارد قطعه دوم می
شود و به مخاطب مهلتی برای حس پایان قطعه نمی
دهد) حس شورش و طغیانی در آن نهفته که از
خشونت و سرعت آن پیداست. اکثر وقت این قطعه،
صرف بازی ریتمیکی با نت می E، می شود.

در راه پایان ناپذیرتان سخن آخر (EPILOGUE)
(و پایان بخش سفری به همراه مبارزین نور است.
پایانی با غرور و ستایش مبارزان نور در سرتاسر این
کره خاکی :

شما انفاسی دلیر هستید، همانان که در مسیر
بی پایانتان ، بر تاریکی قدم می نهید
نامهایتان با غرور بر لب ها خواهد نشست،
شما که چون شمع هایی در تاریکترین شب ها
هستید،

به صلح و آرامشتان برسید و ایمانتان را
بجوید،

بخود تکامل بخشید و از هر نفرتی رها شوید
تا شاید بهشتی را بر روی زمین بیافرینید.



گام دو ماژور دوبل هارمونیک
دایره قرمز : فواصل دوم افزوده
دایره آبی : فواصل نیم پرده میان سه نت سی، دو و
دو دیز (ر بمل)

بعد از این ریف ، در همان گام لا ماژور دوبل
هارمونیک، ریفی با تمپویی کمی بالاتر نواخته می
شود که کمی برای نوازنده مشکل ساز است که دلیل
آن نوع چیدمان ریتم سیم آزاد می E است.



این ریف به بخشی خاتمه میابد که آغازگر
موسیقی جیبسی ها و علی الخصوص موسیقی
اسپانیاست و در گام سل مینور هارمونیک نوشته شده
(یا همان D اسپانیس). ریتم و میزان بندی 8/7 آن
با سکوت هایش، هم تکنوازی گیتار کلاسیک را زیبا
کرده و هم ریتم الکتریک همراهش را. در دومین بار
آغاز این بخش، نوای سنتور، در زمینه قطعه قرار می
گیرد.



LETHIAN DREAMS

BLEAK SILVER STREAMS

سپس در اواسط ترانه شنونده ی یک قطعه ی آرام تر و بدون همراهی آکوردهای دیستورت هستیم که در آن نقش پیانو بیشتر می شود. در این قطعه است که دکلمه های وکال به تدریج حالت ناله و مرثیه می گیرد و اندوه ترانه به اوج خود می رسد...

همین سیر، مجدداً تکرار می شود. به این ترتیب که ترانه یک بار به قسمت سنگین و دیستورت باز می گردد و سپس در قسمت پایانی، ترانه با یک آریژ گیتار آکوستیک و ملودی گیتار الکتریک آرام می گیرد.

از نظر محتوا این ترانه به بیان غم از دست دادن عشق می پردازد. عشقی که خود تنها پناه شاعر بوده و رفتن او سرمایایی است که تمام زندگی شاعر را در بر می گیرد و بارانی است که آخرین شعله های امیدی که در دل او بوده را می کشد...

I CAN'T PERCEIVE THE WARMTH OF
YOUR FIRE
I FEEL LIKE LOSING YOU
AND I CRY FOR MY DYING ANGEL
AS SHE MAKES ME UNDER HER
WINGS

تصور می کنم آنچه در مورد این آلبوم قابل بیان بود، گفته شد. درک و دریافت بیشتر را وقتی به دست خواهید آورد که به خود آلبوم گوش دهید...

IN SECLUSION دومین ترانه ی این آلبوم است که شامل قطعات ساده اما پر احساس گیتار الکتریک می شود. شروع ترانه از یک ملودی گیتار، همراهی یک آریژ و صدای زمینه ی کیبورد است و بلافاصله صدای وکال مرد... پس از آن با سکوت ملودی و ورود آکورد های گیتار دیستورشن، آریژ شکل جدیدی به خود می گیرد و وکال زن ترانه را ادامه می دهد. تکنیکی که در نوشتن این ترانه به خوبی به کار رفته، استفاده از یک ملودی (به صورت آریژ یا سولو) و تغییر حس آن از طریق تغییر هارمونی ها و ریتم های همراهی کننده ی آن است.

ساختار نامنظم ترانه نیز از دیگر ویژگی هایی است که در ترانه های این آلبوم به چشم می خورد. ترانه دارای بخش های متعددی است که قرار گرفتن آنها در کنار هم از ساختار خاصی تبعیت نمی کند. حتی در قسمت هایی از ترانه با سکوت همه ی ساز ها و تک نوازی گیتار الکتریک حس پایان ترانه به شنونده القا می شود، اما پس از لحظاتی ترانه ادامه پیدا می کند.

صدای وکال همانطور که گفته شد در تمام طول ترانه موسیقی را همراهی می کند و در این ترانه البته تا جایی با موسیقی آمیخته می شود که همراه با آن در پایان ترانه FADE OUT می شود:

AND I SEE YOU LEAVING...
USELESS TEARS I'VE CRIED...
AT THE DAWN OF YOUR HEAVEN...
THE RAIN OF SERENE SKIES...

از دیگر اثر های قابل توجه آلبوم، ترانه ی UNDER HER WINGS است که شروعی متفاوت از دیگر ترانه های آلبوم دارد و آن اجرای یک هارمونی کوتاه کیبورد است که حالتی مثل اضطراب و تشویش را به شنونده القا می کند، و بلافاصله پس از آن ملودی گیتار الکتریک، آکورد های سنگین دیستورت، آریژ پیانو و صدای وکال گرانت که همه همزمان با هم قسمت بعدی ترانه را شروع می کنند. ترکیب وصف شده تا اواسط ترانه به همان شکل ادامه پیدا می کند و تنها المنت متغیر سبک وکال است که به صورت پویا در حال تغییر است، از گرانت به دکلمه، از دکلمه به سوپرانو و گاهی هم همراهی دو سبک مثل دکلمه ی وکال مرد و آواز وکال زن...

برخلاف روند همیشگی این بار تصمیم گرفتم که به جای نوشتن نقد برای یک آلبوم قوی از یک گروه شناخته شده و موفق، آلبومی متوسط از گروهی که تا به حال چندان مورد توجه نبوده بنویسم. از این رو آلبوم سال ۲۰۰۹ گروه LETHIAN DREAMS را برای نقد این شماره از مجله انتخاب کردم.

گروه LETHIAN DREAMS یک گروه اتمسفریک دووم متال فرانسوی است که در سال ۲۰۰۲ شکل گرفت. عضو اصلی گروه CARLINE VAN ROOS بود که علاوه بر وکال، نوازندگی گیتار، بیس، کیبورد، و برنامه نویسی درام را هم بر عهده داشت و اعضای دیگر به واقع نقش چندانی در پروژه نداشتند. از زمان شروع کار پروژه تا سال ۲۰۰۹ گروه تنها ۳ آلبوم دمو منتشر کرد و آلبوم BLEAK SILVER STREAMS در واقع اولین آلبوم کامل گروه است.

این آلبوم شامل ۶ ترانه می شود که هر کدام زمانی طولانی (بین ۸ تا ۹) دقیقه دارند و در آنها وکال زن، قطعات آوازی و وکال مرد، گرانت و دکلمه را بر عهده دارد، که از این نظر موسیقی دارای تنوع و گستردگی است. بافت قطعات گیتار الکتریک پلی فونیک است و این باعث افزایش غنای موسیقی در اثر شده است. کیبورد چندان به فضا سازی نمی پردازد و از این لحاظ، موسیقی از اتمسفریک فاصله می گیرد. کار بیس گیتار به طور کلی محسوس نیست و این برخلاف ساختار موسیقی دووم متال است. اما درام از برنامه نویسی خوبی برخوردار است و به هیچ وجه شکل ماشینی ندارد؛ در کنار آن ریتم های نوشته شده برای درام نیز با ساختار ترانه هماهنگ هستند و تأثیر قابل توجهی در موسیقی دارند. به دلیل طولانی بودن اشعار و همینطور استفاده از نت های بلند برای اشعار، صدای وکال در تمام طول ترانه با موسیقی همراه است و قطعات بی کلام چندان در ترانه ها به چشم نمی خورد؛ به علاوه اینکه پلی فونیک بودن موسیقی نیاز به سولو را در ترانه ها ملغی می کند.

تمپوی ترانه ها در حد قابل توجهی پائین است و دلیل بلند بودن مدت ترانه ها هم همین است. این موضوع در ترانه هایی مثل REQUIEM و FOR A BRIGHTER DEATH به حدی می رسد که ریتم ترانه حالتی راكد و مرده می گیرد و جز برای شنونده ای افسرده و علاقه مند به دووم متال، حالتی ناخوشایند و ملال آور ایجاد می کند و لذتی نخواهد داشت. البته شنونده ی افسرده نیز دقیقاً به خاطر همین حس ناخوشایند و رکود موسیقایی است که از اثر لذت خواهد برد.

با وجود فرانسوی بودن گروه، اشعار به زبان انگلیسی گفته شده اند. مضمون و محتوای اشعار نیز حول یک محور کلی، یعنی بیان اندوه، ناامیدی، ترس و شکست است. در اشعار از تعبیرهایی تازه و قوی استفاده شده که نشان دهنده ی کار زیاد روی اشعار است. به عنوان مثال در ترانه ی UNDER HER WINGS شاعر با استفاده از قطعه ی:

SORROW LACERATES MY SKIN
AND I DON'T FEEL THE PAIN

درد و رنج روانی خود را به شکلی دور از ذهن و با حالتی جسمانی تصویر می کند.

به طور کلی ترانه های این آلبوم از ساختاری تقریباً مشابه، چه در موسیقی و چه محتوا برخوردارند و از این رو شرح تک تک ترانه ها ضروری نمی دانم؛ اما توصیف یک یا دو ترانه از آلبوم شاید بتواند شمایی کلی از آلبوم به دست خواننده بدهد.



TURISAS

STAND UP AND FIGHT

در ابتدا قرار بود من مصاحبه ای با این گروه داشته باشم ولی به خاطر دیر کردن خودم در تهیه سوال ها مصاحبه با گروه را از دست دادم. هنگامی که سردبیر آلبوم های پیش نهادی برای نقد در این ماه را به من نشان داد به دلیل این که پیشینه ای از کارهای این گروه در ذهن داشتم تصمیم گرفتم تا آلبوم این گروه را نقد کنم.

مقدمه

گروه در ابتدا به من گروهی پاورمتال معرفی شد ولی پس از اینکه به کارهای گروه گوش کردم و چهره ی اعضای گروه و گریم (Corpse Painting) گروه را دیدم به این نتیجه رسیدم که گروه بیشتر گروهی وایکینگ متال است اما باز هم نمی توان سبک گروه را به درستی تعیین کرد، فقط میتوان گفت که چیزی که گروه بیشتر در کارهایش به عنوان ستون اصلی آهنگ ها دارد وایکینگ متال است.

گریم گروه تقریباً با تمام گریم های گروه های دیگر تفاوت دارد، بهترین نمونه برای بیان شباهت با این نوع گریم غار نشینان در فیلم سیزدهمین سلحشور هستند. نحوه و طرز لباس پوشیدن گروه هم بیشتر شبیه گروه های موج نوی هوی متال بریتانیاست. البته این تشابه فقط در شکل نیست و گاهی در آهنگ ها نیز دیده می شود.

گروه در کل می توان گفت تلفیقی از سبک های بلک ، گوتیک و سمفونیک و موج نو و وایکینگ متال را به نمایش می گذارد. اشعار گروه نیز همواره بیانی حماسه دارند و بیشتر تابع وایکینگ متال هستند، گرچه گاهی اوقات به شدت مرا یاد آثاری از منووار می اندازند.

در ذیل به بررسی آلبوم جدید گروه از دو جنبه موسیقی و اشعار می پردازیم.

موسیقی

چیزی که بیشتر از همه در آثار گروه جلب توجه میکند جنبه سمفونیک آن است که در اکثر مواقع به قدری عالی پیاده سازی شده که اوج حماسه و احساس را به شنونده القا میکند، در بعضی مواقع حسی به انسان القا می شود که بیشتر موسیقی که هنگام نبردهای بزرگ در فیلم ها شنیده ایم به ما القا کرده اند.

بیشتر باری که سمفونی دارد در ابتدا مربوط به صدای ویلونی است که نواخته می شود و سپس بخاطر چینش عالی نت ها البته در اینجا نمی توان از چینش عالی و بسیار زیبای بک وکال ها صرف نظر کرد. جنبه دیگری که به روایت حماسی آلبوم اضافه کرده است بیشتر صداهایی است که در پس زمینه شنیده می شوند و بیشتر به القای فضای آهنگ ها بر شنونده تاثیر می گذارند. گه گاه صدای نزاع و گاهی حتی صدای تشویق گروهی در پس زمینه آهنگ به گوش می رسد که بسیار بر فضای حماسی آن می افزاید.

نحوه ی خواندن وکال هم در بیشتر مواقع مرا به یاد منووار می اندازد که با دیدن طرز لباس پوشیدن گروه این تشابه بیشتر حس میشود.

کارهای گروه بیشتر با ریتم های شدیداً حماسی شروع شده در میانه لحظاتی آهسته شده و سپس دوباره اوج میگیرد این تقریباً کلیشه غالب تمام ترک هاست، البته هر از چند گاهی هم فقط صدای خواننده گروه است که اوج و افول دارد و آهنگ ریتم ثابت خود را دارد.

احتمالا آهنگ سازی در کل گروه بر عهده ی یک نفر است و اوست که بیشتر کارها را میکند.

نحوه خواندن خواننده هم بسیار متغییر است در شرایطی بسیار آرام و به مانند تکه هایی که اریک آدامز در میان آهنگ های خود می خواند و گاهی به مانند دپرسو بلک مثال که در هر حالی همراه با یک وکال ها بسیار هم خوانی دارند. سولو ها در آهنگ ها بسیار کم دیده می شوند ولی اندک استفاده آنها خوب و بجاست و بیشتر سولو های موج نو هستند که همواره ریتمی حماسی را با خود همراه دارند. ریتم درامز در آهنگ ها یکنواخت است ولی به نسبت یکنواختی از بازتابی خوب و عالی بر خوردار است و بیشتر یک ریتم تکراری برای قسمتی که صدای وکال وزن خاصی دارد استفاده شده است.

در مجموع صدای گیتار ریتم کمتر از بیس به چشم می آید و همه ی سازها نیز زیر سایه ریتم سمفونیک پیانو و ویالون خود را می یابند و ارزش بیشتر آهنگ های آلبوم از نظر سمفونیک بودن آنهاست.

در مورد چینش آهنگها نیز تقریبا همان کلیشه ی همیشگی چند آهنگ سنگین و سپس یک آهنگ آرام و ملایم رعایت شده است و بیشتر از هر چیز به خاطر رعایت این کلیشه گوش دادن به آلبوم به صورت پشت سر هم در شنونده خستگی زیادی ایجاد نمی کند.

تنها نقص موسیقایی آلبوم در هنگامی است که خواننده با صدایی شبیه به خوانندگان بلک متال می خواند و ریتم پس زمینه نسبتا ناهماهنگ با آن جلوه می کند.

در کل ساختار آهنگ ها نه زیاد از پیچیدگی بر خوردار است و نه ساده است و در حد معمولی و نرمال است به نظر خود من به شخصه موسیقی 6 از 10 را میگیرد.

اشعار

در باب اشعار در این آلبوم نمی توان زیاد بحث کرد هر آنچه که از حماسه می خواهید در خود دارند اما نکته جالب اینجاست که تمامی اشعار از وزن خاصی برخوردارند و درست مثل شعر های فارسی دارای قافیه می باشند، در بیشتر آهنگ ها بر جمله ای تاکید شده که اصولا نام آهنگ نیز همان است.

گرچه اشعار دارای بار حماسی اند اما گه گاهی صدای پس زمینه بیشتر از اشعار حماسی بودن را القا می کنند و این خود به نوعی ضعف در اشعار را نمایان می سازد که از ساختار ساده ای بر خوردارند. در کل اشعار برای کسانی که از حماسه و اساطیر خوششان می آید و عاشق قهرمان بازی هستند بسیار جذاب است و به نظر خودم از 10 نمره 4 میگیرند.

آلبوم برای کسانی که میخواهند از موسیقی سمفونیک و یا وایکینگ متال لذت ببرند کاملا قابل هضم و خوب است و از نظر اشعار نیز بیشتر به درد کسانی می خورد که حماسی بودن آثار برایشان جالب و لذت بخش است.

آلبوم دارای چینش و ساخت خوبی است اما به خاطر مسایلی به مانند آهنگ سازی بیش از یک آلبوم خوب نیست و نمی تواند در حد یک پدیده و عالی ظاهر شود.





مصاحبه اختصاصی
DIVAN
با بند پروگرسو متال
INDUKTI

D با سلام و تشکر از وقتی که به ما دادی. قبل از هر چیز از اعضای گروه شروع کنیم. شماها چطور می‌دیدید که رو پیدا کردین و Indukti رو تشکیل دادین؟

داستانش یک کم درازه. الان من و Eve از اعضای ثابت گروهیم. من و Eve از دوران مدرسه باهم می‌نواختیم. گیتاریستمون Jasiek از دوستای قدیمی منه و وقتی گیتاریست قبلی، گروه رو ترک کرد، او به ما پیوست. ازش متشکریم. ما Wawrzyniec رو دقیقاً وقتی که بعد از 15 سال زندگی در کانادا به لهستان برگشته بود ملاقات کردیم. بعد از اینکه بیس نواز قبلی ما از گروه رفت، Andrzej به ما پیوست. او قبلاً در گروهی بنام Ziemia (که به لهستانی یعنی زمین) می‌نواختش.

D میشه کمی در مورد سلیقه ی اعضای گروه بگی، بچه ها عموماً چه ژانرهایی رو می‌پسندن؟
هر کدام از ماها تحت تاثیر موسیقی های مختلفیه که از Kobong، King Crimson، Ensiferum، Dimmu Borgir و Radiohead گرفته تا Marillion و حتی Mussorgsky. به نظرم اینکه بخوام یک شخص با گروه رو الهام بخش همه ی اعضای گروه بدونم واقعا دشواره.

D به خورده اسم گروه واسه من مبهم و گنگه، آیا همون معنای لغت Induction (استنتاج) رو میده؟
ریشه ی این اسم در اصل یک افسانه در مورد مسافرتین و رهگذران آسیاییه که از مناطق شهر ورشو دیدن می‌کردن. در هر حال Indukti یعنی پرس (Press) کردن پارچه ی کتان. البته این نظر بیس نواز ماست.

D در آستانه ی جشن گرفتن دوازدهمین سال تولد Indukti هستیم. 12 سال و 2 تا آلبوم! چرا اینقدر کم؟!

دلایل زیاده. ما هنرمندای مستقلی هستیم و هر کاری رو علاقه داشته باشیم انجام میدیم. ما موسیقیمون رو با هر سرعتی که دوست داشته باشیم میسازیم. هنر ما واسه ما منفعتی نیاره و ما واسه امرار معاش، مشغول به کارای دیگه هستیم. چهار نفر از اعضای گروه پنج نفره ی ما، تحصیل کرده در هنرستان های موسیقی هستن اما با این حال یک نفر از ما بصورت موسیقیدان حرفه ای پول در میاره و نوازنده ی ارکستر سمفونیکه.

D نگرش مردم لهستان در قبال موسیقی و هنر شما چطور بود؟ نگرش جهانی چطور؟
خیلی از مردم لهستان باورشون نمیشه وقتی میشنون که Indukti به گروه لهستانیه. خیلی هاشون هم اصلاً نام Indukti رو نمیشناسن. موسیقی ما براحتی هضم نمیشه و باب دل همه نیست. اگه به وقت موسیقی ما رو تو رادیوی لهستان شنیدی مطمئناً باش که زمان پخش موسیقی واسه خفاش هاست. با این حال آدمای زیادی رو می‌بینیم که با موسیقی ما حال می‌کنن و خیلی هاشون هم در ایران زندگی می‌کنن.

D چقدر به طرفدار بها میدی؟ به نظرت فکر کردن بیش از حد به خواسته های طرفدارا، یک گروه رو قوی میکنه یا ضعیف؟

ما گروهی نیستیم که بدنیاال ارضای خواسته های مخاطب باشه و چیزهای مورد علاقه ی مخاطب ها ما رو متحیر نمی‌کنه. ما با موسیقیمون احساسمون رو القاء می‌کنیم و انتقال میدیم، دوست داشتنی باهاش ارتباط برقرار کن اگر هم که نه، نکن.

D خب، پریم سراغ روش آهنگسازی اعضای گروه. چه کسی عموماً ایده ها و نظرات اولیه و اصلی پروژه های آلبوم ها رو کلید میزنه؟
همه چیز خود به خود اتفاق میفته و هیچ کسی بین ما رهبریت نداره. همه با هم به گسترش ایده های

نفر می‌پردازیم و بر نفرات دیگه تاثیر میذاریم. گاهی وقتاً در اتاق تمرین که در حال بداهه نوازی هستیم یک تم باحال متولد میشه. وقتی تقریباً مصالح موسیقیمون آماده میشه، به این فکر میکنیم که باز چی به ذهنمون میرسه و چه احساساتی رها میشه. پروژه های آلبوم تحت تاثیر الهام های ناگهانیه.

D اگه خودت، به زبون خودت بخوای واسه سبک گروه اسمی بذاری، اون وقت چی میگی؟
فکر کنم واسه فروشنده های موسیقی و یا ژورنالیست هایی که دنبال به مرجع هستن و نمی‌تونن سبک رو به زبان خودشون معرفی کنن این عبارت واسه سبک ما خوب باشه: زیرشوارای از مد افتاده ی کمپانی ها. ما زیاد به این که مارو پروگرسو متال بدونن و یا چیزای دیگه اهمیت نمیدیم. ما فکر نمی‌کنیم که گروهی پروگرسو، متال و ... هستیم. ما به ابراز احساسمون می‌پردازیم. شما هر چی اسم سبک رو دوست داری بذار.

D یکی از مهمترین فاکتورهایی که موسیقی شما رو خاص کرده، بازی با ریتم و متریکه. نظر خودت چیه؟
سعی ما اینه که وسط کنسرت خواب نریم، بله، حق با شماست، ما دوست داریم که با ضرب های متفاوت بنوازیم، واسه ی ما، اینکار خیلی طبیعیه. واسه گروه ما، نواختن بیشتر از دو دقیقه در ریتم های ۴/۴ و ۳/۴ غیر ممکنه. بخاطر همین از میزان های ۸/۷، ۸/۱۱ و ۸/۲۷ استفاده می‌کنیم. این باعث میشه که فکر کنیم داریم به کاری رو انجام میدیم.

D Tool و King Crimson از تاثیرگذاران اصلی شما هستن. ابتدا نظرت رو در باره ی این گروه ها بگو و بعد درمورد چگونگی تاثیرشون واسه ما به توضیحی بده.
بیشتر احساس های ظن موسیقی King Crimson در Indukti وجود داره تا فلسفه ی King Crimson.





D موسیقی خاوری به وضوح در آثار شما به گوش میرسد، مثلاً استفاده از باغلاما در هر دو آلبومتون. نظرت در مورد موسیقی خاوری چیه؟
برای من، موسیقی خاوری بسیار تاثیر گذاره، گوش دادن به موسیقی های هندو و ودایی (ودا کتاب مقدس هندو) و همچنین آوازخوان های خومی مغولستان برای من لذت بخشه. موسیقی ژاپن هم تاثیر گذاره و همینطور که گفتم، ما براین باوریم که اسم گروهمون خاوریه.

D آلبوم دوم (IDMEN) در قیاس با محتوای آلبوم قبلی کاملاً متفاوت، چرا از اودیسه ی هومر استفاده کردین؟
IDMEN داستان جنجال بشر با سرنوشت، ایمان، خدا، طبیعت و ... هستش. اودیسه نیز داستان اینجور کشمکش هاست. لغت Idmen از سرود Siren کتاب دوازدهم هومره و معنای اون " ما می دانیم " یا " ما دیده ایم " هست. ما هم با موسیقیمون هر چیزی که تجربه کردیم رو بیان کردیم.

D IDMEN نسبت به آلبوم قبل خودش قویتر بود، تغییرات ریتمیک و ریفی شگفت انگیز و تازگی درام، اون رو به پیچیدگی بی همتایی رسونده بود. (علل خصوص در قطعه ی Sansara) دلیل این همه تغییر چی بود؟
گفتنش سخته. برنامه ای واسش نریخته بودیم. مثل همیشه قطعات تحت تاثیر فعل و انفعالات بین خودمون و نوع ابراز احساساتمون بودن.

D ساز چنگ، به قطعات در سفر به سرزمین تخیلی انگاشت ها کمک زیادی کرده بود. (علل خصوص در Fender , Could Inside... I , ... Weak II).
چرا در آلبوم دوم از این ساز استفاده نشد؟
تو که نمی تونی هیچ وقت در یک رود دوبار قدم بذاری.

D فکر می کنم Tusan Homichi Tuvota از به داستان Hopi (قبیله ی سرخپوست در شمال آمریکا) الهام گرفته شده، چرا این داستان؟ آیا محتوای اون با محتوای کلی آلبوم مرتبطه؟
ما از Nils خواستیم که تو یکی دوتا از کارامون بخونه. ما قطعه رو انتخاب می کردیم و اون لیریک رو انتخاب می کرد. (افسانه های قدیمی سرخپوست ها که از بچه گیش بخاطر داشت رو انتخاب کرد) این شعر، داستانی درباره ی کشمکش هایی با دشمنان نیرومند و همچنین با دشمنان درون خود انسانه - ترس و ضعف.

D S.U.S.A.R الهام گرفته از فیلم Metropolis بود، فیلمی به کارگردانی Fritz Lang و ساخته ی ۱۹۲۸. چه جوری این فیلم اکسپرسیونیست ، In-dukti رو تحت تاثیر خودش قرار داد؟
در حال ساخت S.U.S.A.R بودیم که شاهکار Lang رو تماشا کردیم. تحت تاثیر داستان، شیوه ی روایت اون و دنیایی شدیم که توسط Lang ساخته شده بود. به نظر من، سازندگان فیلم های صامت، تجلی لغات رو محدود کردن. اونها داستان هاشون رو توسط تصاویر بیان می کردن. کمبود لفظیت (Literality) فضایی رو برای تفسیرات بوجود آورده که انگاشت ها و تصورات رو بر می انگیزه. مسلماً بعد از دیدن این فیلم تخیلات ما هم برانگیخته شد.

D کمی در مورد انتخاب اسم S.U.S.A.R برای آلبوم توضیح بده، چون فکر می کنم به اصطلاح پزشکی و یا دارویی؟
درسته، ما واسه صدا، زیبایی و فضای موسیقایی آلبوم، این اسم رو از روی رویه ی طبیی انتخاب کردیم. این اسم حاکی از احساسات تاریک و ناگفته و بیانات بیهوده ایه که در آن واحد، احساسات مثبت نیز در کنار اونها حضور داره. بنا نهادنی توسط ویرانی.

D تجربه ی همکاری با Mariusz Duda، خواننده ی Riverside، در آلبوم اول چطور بود؟



Mariusz موزیسین بزرگیه، حتی وقتی حرف میزنه هم می تونی موسیقی رو در کلامش حس کنی. ما Mariusz رو در اولین تورمون با گروهش در ورشو دیدیم. وقتی خوندنش رو دیدیم مطمئن شدیم که حتماً باید در آلبوممون بخونه. کار با Mariusz عالی بود. او خودش دقیقاً اون چیزی که ما می خواستیم رو برامون انجام داد. هم درک تام وجود داشت و هم معاهده ای کامل.

D به جنبش قوی پروگرسو متالی در لهستان بوجود اومد (توسط گروه هایی تقریباً هم سبک با Indukti مثل Lunatic Souls ، Riverside و ...) ، آیا تا حالا شما سعی کردین که موسیقی سرزمین مادریتون رو در آثار خودتون جای بدین؟
یک کم سخته. سبک ملی لهستان خیلی جذاب و منحصر به فرد، دارای شخصیت، سازها و هارمونی مختص خودش که خیلی پر احساسه. گروهی هست بنام Kapela ze Wsi Warszawa که موسیقی ملی لهستان رو با موسیقی های مدرن تلفیق کرده و واقعا کار خوبی از آب در اومده. امتحان کردنش ارزشمند. شاید به روز ما موسیقی ملی لهستان رو وارد موسیقیمون کنیم اما این کار نیازمند به ایده ی جدید و قویه.

این در مورد Tool هم صادق. گیتاریست قبلی ما طرفدار Tool بود اما قبل از ضبط آلبوم در سال ۲۰۰۲ گروه رو ترک کرد. خیلی سخته واسم که موسیقیمون رو به گروه های دیگه ربط بدم. در In-dukti هر کسی کشش و جذبه ی خودش رو داره که اغلب چیزی متقابل و منحصر به فرد.

D چیزی که کاملاً محسوسه در هر دو آلبوم، حضور سازهای گوناگون در کنار انسامبل متاله، سازهایی مثل چنگ، باغلاما، ترومپت، دالسیمر و ... به نظرت انسامبل خشن و دیستورتد متال قابلیت اینکه هر سازی رو در کنار خودش همراهی کنه داره؟
چرا که نه؟! هنر، تاب و تحمل محدودیت ها رو نداره. بقیه چیزها همش مربوط به توانایی ها و بازه ی تخیل میشه.

D به نظر گروه، ویژگی های یک قطعه ی بی کلام خوب و جذاب چیه؟
به نظر ما هیچ موسیقی خوب و یا بدی وجود نداره. هر چیز مربوط به سلیقه ی فردی میشه. یا یک موسیقی رو دوست داری و یا اینکه نداری. ما موسیقی ای رو که میتوازم دوست داریم.

D اکثریت قطعات گروه بی کلام هستن. نظرت به گفته ی شما در وب سایت گروه، مبنی بر " کمبود خواننده ی مناسب و لایق " برای Indukti، خواننده ی In-dukti از چه فاکتورهای مناسبی باید برخوردار باشه؟
ما هنوز مطمئن نیستیم که اصلاً به خواننده نیاز داریم یا نه. لیریک و اشعار برای مخاطب چارچوب میسازه و پیام ها و محتواهایی رو تلقین می کنه. ما بر پایه ی انتقال غیرشفافی استواریم تا برای مخیله ی مخاطبمون فضایی رو بوجود بیاریم. حتی اگه خواننده هم می داشتیم، فکر نمی کنم که می تونست زیاد در قطعات بخونه. طبق روال معمول، در آینده، از خواننده های مختلفی واسه آثارمون دعوت می کنیم.

D بریم سراغ آلبوم ها. دقیقاً چه وقتی پروژه ی اول گروه، یعنی S.U.S.A.R، آغاز شد؟
فکر کنم از همون وقتی که Indukti شروع به کار کرد. Indukti از دل گروهی بنام Vain بیرون اومد، گروهی متشکل از موزیسین های تحت تاثیر King Crimson. سه نفر از اعضای Vain به دو موزیسین دیگه پیوستن و شروع به بیان ایده های جدید کردن و پروژه ای جدید رو ساختن که شد همین Indukti. ما می خواستیم که تخیلات رو تحریک کنیم و هنرمون رو به سمت تجربیات استثنایی و احساساتی بی نظیر بکشیم. تمام این خواسته ها، نقطه ی تحولی بود که حاصل آن شد S.U.S.A.R.



D یکی از شاهکارهای گروه، قطعه ی ... And Who's the God Know هستش. میتونی درباره ی محتوا و نوع کمپوزیسیون توضیحاتی بدی؟ (مخصوصا بخش پایانی اون)

این قطعه از قدیمی ترین کارامونه که قبلا با نام Mantra (سرود خوانی هندویی) شناخته میشد. خواننده ی قهار متال لهستان Maciej Taff، لیریکی رو برای این قطعه نوشت که از دیدگاه من انعکاس دهنده ی داستان هابیل و قابیل، کشمکش اونها با خدا و تلاشی برای شبیه شدن به او بود. در پایان ضبط قطعه، ما آتش بازی و مراسم مذهبی جادوگران و کاهنان شامن (Shaman) رو قرار دادیم که میتونید در آخر قطعه گوش بدید.

D کاور کردن، کاری معمول و رایج در بین گروه های متاله. با در نظر گرفتن سبک خاص موسیقی شما، آیا تا به حال سعی کردین قطعه ای از هم سبک های خودتون رو بصورت متفاوت تنظیم و یا کاور کنین؟ با نام Indukti ما زیاد تمایلی به کاور کردن نداریم. اما به بار به قطعه ی Pop کاور کردیم و اون هم بخاطر خواننده ای بود که در حال براندازش بودیم و او نمی تونست با قطعه های ما خوب کنار بیاد و ما هم از دفترچه ی قطعاتی که آماده کرده بود، به قطعه رو انتخاب کردیم. بعد از اون تمام رفقای گوش و کنار ما، با تحیر به ما ها نگاه می کردن □

D تور و کنسرت هاتون چطوره؟ در حال حاضر که دراممون با گروه Destruction در توره، پس فکر کنم برنامه ریزی واسه تور کمی سخته.

D چقدر در مورد ایران میدونی؟ آیا موسیقیدان و یا گروه خاصی رو از ایران میشناسی؟ من تعطیلات سال ۲۰۰۳ ام رو در ترکیه گذروندم. عاشق ساز باغلاما شدم و به دونه در آنتالیا خریدم. به جورایی شبیه ساز لوت هستش که خیلی هم به دوتار و سه تار ایرانی شبیهه. امروزه در عصر اینترنت، ما بدون هیچ مشکلی به موسیقی های زیبا دسترسی داریم. نمی دونم این هایی که اسم می برم موزیسین ایرانی هستن یا نه اما من از گوش دادن به آثار دوتار کسایی مثل عبدالرحیم هبعیت، کمال السعیر، پریسا ارسلانی، علی اکبر سیسک لذت می برم. من به

دوستی هم از ایران دارم که اسم Facebook Yazi Arizona Dream از گلستانه. او قطعاتی از نوازندگی دوتار پدرش واسه من فرستاد که ازش متشکرم، واقعا دوست داشتنین. علاوه بر اینها، من صدای مسحور کننده و جذاب ساز ارمنیه دودوک رو دوست دارم، مخصوصا نوازندگی این ساز توسط Djivan Gasparyan.

D آیا با سازهای سنتی ایران آشنایی داری (مثل سنتور که از خانواده ی دالسیمر هستش و در قطعه ی Tusan Homichi Tuvota شنیده میشه) و آیا فکر می کنی بتونید از هیچ کدام از سازها در آلبوم های آیندتون استفاده کنید؟

ما در آلبوم Idmen هم از سنتور و هم از دالسیمر رایج استفاده کردیم. Marta Maslanka هردوتاشون رو می تونه بنوازه و به سنتور اصیل هم داره. در ... And Who's the God Now ما از باغلامای ترکیه ای که شبیه به دوتار و سه تار شما ایرانی هاست استفاده کردیم. ما گام ها، سازها و اتمسفر خاص و بی همتای موسیقی خاوری رو دوست داریم.

D برنامهتون واسه آینده ی گروه چیه؟ زنده موندن

D نظر به تفاوت بین دو آلبوم قبلی، آلبوم بعدی چطور میشه؟

نمی دونیم ولی مطمئنیم که با دوتای دیگه فرق می کنه.

D بیا کمی هم در مورد ماهیت موسیقی متال حرف بزنیم. بهترین عبارتی رو که درباره ی متال شنیدی رو بگو.

سخته. موسیقی متال منظرهای مختلفی داره. مهمترینش اینه که سعی داره احساسات واقعی و خالص رو ابراز کنه و علاوه بر این، متال در مسیری کاملا طبیعی، با دستان انسان، سیم های گیتار، درام و استیک های چوبی ساخته میشه، نه با سنتی سایزر و کامپیوتر. متال و راک موسیقی های طبیعی، حقیقی و پر حسی هستن که همه باید به اون علاقه داشته باشن.

D خلاقیت، اصلی ترین منبع تغذیه ی موسیقی امروزه، نظرت در مورد خلاقیت در موسیقی و علل خصوص در متال چیه؟

یه روز بت گیتار من به من گفت: در جایی به دنبال موسیقیت بگرد که هیچ کس نمی گرده. و وقتی یک ریف برای گیتار میسازی بین موقع نواختنش چه احساسی داری، فکر کن که آیا این، همه ی اون چیزیه که می خواستی ابراز کنی؟ نه؟ خب از اول بسازش و یا به عقب تر برگرد. احساسات شما مهمترین بخش موسیقی شما هستن.

D بنا به اتمسفر غیر آکادمیک و رسمی متال، توجه ی زیادی به قابلیت های این سبک نمیشه، به نظرت چاره چیه؟

به نظر من مهم نیست. فقط به فکر نواختن اون چیزی باشین که می خواین و سعی کنین احساسات واقعیتون رو ابراز کنین. اگه صاف و صادق باشین، بقیه به دنبالتون میان، این حس باطنی منه. مردم دوست ندارن که سرشون کلاه بره و وقتی که سعی کنید چیزی که نیستید رو جای خودتون جا بزنید، اونا متوجه میشن.

D در برتاسر دنیا، متال حالا دیگه یه جنبش جهانیه، پیشگویی در مورد آینده ی متال چیه؟ هر انسانی در زندگیش، بدنال حقیقت هاییه، واضحه که تا این اتفاق در متال و راک رخ میده، این سبک ها زنده می موندن.

D و در پایان ... جمله ای رو به همه ی طرفدارات در ایران بگو تا از Indukti به یاد داشته باشن.

در پیدا کردن راه موسیقی خودتون هیچ وقت متوقف نشین، بدنال احساسات و چیزهایی حقیقی باشین و با راک و متال ادامه بدین.

D متشکرم از وقتی که واسه ما و همه طرفدارای ایرانی گذاشتی، واسه Indukti بهترین ها رو آرزو می کنیم.



Slipknot بیسیست موقتی خود را معرفی کرد

دانی استیل Donnie Steel، اولین بیس نواز گروه Slipknot بود، در روزهای آتی دوباره به گروه ملحق میشود. این گروه دلیل جایگزین کردن پاول گری Paul Gray را با اولین بیسیست خود، اینگونه بیان کرد: "دانی از ابتدای کار با ما بود، ما نیز بهتر دیدیم تا کسی را جایگزین پاول کنیم که از خودمان باشد. دانی دوست صمیمی پاول نیز بود. هر هشت نفرمان میخواهیم به یاد پاول، با کسی از خانواده خودمان دوباره روی صحنه برویم." تابستان امسال، این گروه در اروپا و برزیل اجرا خواهد داشت.



تک آهنگ Rise To Remain

22 مارچ، گروه متال Rise To Remain تک آهنگی را با نام The Serpent در وبسایتش رایگان برای دانلود قرار خواهد داد. این گروه طبق قراردادی که با EMI منعقد کرده است، امسال اولین آلبوم خود را منتشر خواهد کرد. 16 از مارچ، اعضای گروه Rise To Remain حمایت از گروه Funeral For A Friend، اجرای تور مشترکی را آغاز کرد.



گروه پر طرفدار Iron Maiden و آلبوم گلچین جدید

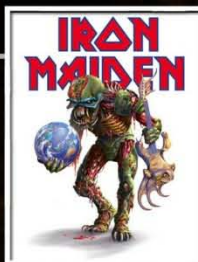
بعد از اینکه The Final Frontier عنوان بهترین آلبوم سال 2010 را از آن خود کرد، Iron Maiden دو سی دی شامل بهترین کارهای دوران 20 ساله متال را وارد بازار خواهد کرد. این آلبوم 23 مارچ از طریق EMI منتشر خواهد شد. نام ترک ها به ترتیب در زیر آمده است:

DISK 1

1. THE WICKER MAN
2. HOLY SMOKE
3. EL DORADO
4. PASCHENDALE
5. DIFFERENT WORLD
6. MAN ON THE EDGE (LIVE)
7. THE REINCARNATION OF BEN-JAMIN BREEG
8. BLOOD BROTHERS
9. RAINMAKER
10. SIGN OF THE CROSS (LIVE)
11. BRAVE NEW WORLD
12. FEAR OF THE DARK (LIVE)

DISK 2

1. BE QUICK OR BE DEAD
2. TAILGUNNER
3. NO MORE LIES
4. COMING HOME
5. THE CLANSMAN (LIVE)
6. FOR THE GREATER GOOD OF GOD
7. THESE COLOURS DON'T RUN
8. BRING YOUR DOUGHTER... TO THE SLAUGHTER
9. AFRAID TO SHOOT STRANGERS
10. DANCE OF DEATH
11. WHEN THE WILD WIND BLOWS



Foo Fighters و آلبوم کاور Rare

علاوه بر آلبوم جدید (Washing Light Thin Lizzy)، آنها آلبوم جدیدی را که کاور گروههای است مانند Paul McCartney، The Ramones، آوریل منتشر خواهند کرد. انتشار این آلبوم با ضبط واینیلی، به صورتی کاملاً محدود خواهد بود. نام ترک های این آلبوم در زیر آمده است:

Band On The Run' /Paul McCartney & Wings
I Feel Free' /Cream
Life of Illusion' /Joe Walsh
Young Man Blues' /Mose Allison
Bad Reputation' /Thin Lizzy
Darling Nikki' /Prince
Down In The Park' /Gary Numan
Baker Street' /Gerry Rafferty
Danny Says' /The Ramones
Have A Cigar' /Pink Floyd
Never Talking To You Again' /Husker Du
Gas Chamber' /Angry Samoans
This Will Be Our Year' /The Zombies



آلبوم جدید Ryan Adams همراه Glyn Johns

ریان آدامز در حال تدارک آلبوم جدیدی با تهیه کننده افسانه ای گروههایی مانند Bob Dylan، Rolling Stones، The Clash، The Who، Eagles، گلین جانز، میباشد. اخبار زیادی از آلبوم جدید آدامز منتشر نشده است.



گیتاریست Gn'R اکسل را با بریتنی اسپیرز مقایسه کرد



DJ Ashba / دی جی اشبا ی گیتاریست که مارچ 2009 در پی ترک Robin Finck وارد گروه Gn'R شد، در راک استیشن Triple M استرالیا در مصاحبه ای نظرش را از اکسل (رز) اینگونه بیان کرد که او به درجه ای رسیده که همه فکر میکنند بهترین است. رسیدن به چنین جایگاهی با این سرعت مانند بریتنی اسپیرز و مایکل جکسون شدن است و رسانه ها نیز به دنبال چنین شخصیتی هستند! اکنون به غیر از اشبا اعضای دیگر این گروه شامل: Richard Fortus و Ron Thal، گیتاریست، Tommy Stinson، بیسیست، Dizzy Reed و Chris Pitman، کیبوردیست، و Frank Ferrer، درامر، هستند.

اولین اجرای آلبوم Björk از Biophilia

از 30 ژوئن تا 16 جولای، Björk در فستیوال Manchester International انگلیس، آلبوم جدید خود را خواهد گذاشت. به گفته Björk این اجرا ها مدیتیشن رابطه بین موسیقی، طبیعی و تکنولوژی است.

اینبار، در اجراهای او از آلات ویژه ای در موسیقی استفاده خواهد شد، مانند custom-built digi-tally controlled pipe organs، gamelan-celeste hybrid و 30 pendulum فوته که برای ایجاد قالب های موسیقی، کشش گرانش سیاره را شدت میبخشد. زمان مشخص انتشار آلبوم جدید اعلام نشده ولی انتظار می رود که امسال وارد بازار شود.



آخرین خبر از گروه Aerosmith

10 می جدیدترین کلکسیون بهترین های این گروه در آلبومی به نام Tough Love: The Best Of Ballads منتشر خواهد شد. عجیب است که در این آلبوم ترک هایی مانند Love In An Elevator و Janie's Got A Fun به چشم میخورد که با کلمه بالاد آلبوم جور نیستند!



آلبوم جدید Symfonia

Symfonia یکی از ترک های آلبوم جدیدش In Paradisum را که قرار است در 1 آوریل منتشر شود، در دسترس قرار داده است. Fields Of Avalon نام این آهنگ است. Symfonia گروه جدید ملودیک متال است که اعضای، Angra، Stratovarius و Sonata Arctica را در خود جای داده است. لیست ترکهای آلبوم این گروه:

Fields Of Avalon
Come By The Hills
Santiago
Alayna
Forevermore
Pilgrim Road
In Paradisum
Rhapsody In Black
I Walk in Neon
Don't Let me Go



برت مایکلز Bret Michaels از Tony Award Productions شکایت کرد

برت مایکلز 2009 Tony Awards را ازینکه باعث خونیتری مغزی او شدند، مواخذه کرد. در یکی از اجراهایش قسمتی از اجزای صحنه به سرش اصابت کرد و مجروح شد. او نیز اکنون از Tony Award Productions، CBS و بقیه شکایت کرد که چرا امنیت او را در راه خروجش از محل اجرا رعایت و راهنمایی نکردند. هنگامی که او سعی میکرد از صحنه بیرون رود، یکی از قسمتهای صحنه به صورتش برخورد کرد.

شش ماه بعد، او به علت نوعی از خونیتری مغزی تا مرز مرگ رفت. این را کر معتقد است اتفاق ساده نیست و یکی از دلایل اصلی این خونیتری ضربه مغزی است.

او خاطر نشان کرد که تهیه کنندگان نتوانستند و نخواستند تا صدمه وارد شده را ترمیم کنند... و او را به دلیل این گرفتاری سرزنش هم کردند. او امتیازی نیز بدست نیاورد. در حالیکه او آرزوی زنده ماندن و دیدن بزرگ شدن فرزندش را داشت ازین ضربه جان سالم بدر برد.



Ozzy به مناسبت سالگرد سی امین سال کار در موسیقی پکیجی از کارهایش را به فروش میرساند

Diary of a Madman (U.S. release) و Blizzard of Ozz دو آلبوم مهمی بودند که در ابتدای دهه 1980 سبک متال را متحول کردند. چاپ جدید این شاهکارهای هارد راک همکاری اوزبورن را با قهرمان گیتار، رندی رودز Randy Rhoads به نمایش میگذارد. این پکیج شامل موارد زیر است

- * (Diary Of A Madman (Legacy Edition 2-CD Set
- * Blizzard Of Ozz (180-gram LP Vinyl – original album only)
- * Diary Of A Madman (180-gram LP Vinyl – original album only)
- * "Thirty Years After The Blizzard" DVD Documentary, plus over 70 mins of additional rare live performances and interviews
- * 100 Page Expansive Coffee Table Book
- * Detailed Replica of Ozzy's Iconic Cross
- * 2 Sided Poster (re-prints of original promotional posters)



گروهی از بهترین های متال سوئد

سایت metalinjection.net گروهی را با بهترین اعضای سوئدی معرفی کرد. جالب به نظر میرسد. اعضای RESISTENCE از گروههای In Flames، The Haunted، Dimension Zero، Carnal Forge هستند:

Marco Aro (THE HAUNTED) – Vocals
Jesper Strömblad (IN FLAMES, DIMENSION ZERO) – Guitar
Glenn Ljungström (IN FLAMES, DIMENSION ZERO) – Guitar
Alex Losbäck Holstad (DESPITE, DECAMERON, CARDINAL SIN) – Bass
Chris Barkensjö (CARNAL FORGE, GODSIC, GRAVE) – Drums

چکیده ای از مصاحبه خواننده Symphony X با Rockvoice آلمان درباره ی آلبوم جدید

خواننده Symphony X در تور اروپا، مصاحبه ای با مارکو اوسترهولتس از Rockvoice در شهر اوپرهاوزن، داشت که در زیر خلاصه ای از آن مصاحبه را که نوید آلبوم جدید گروهش را میدهد، آورده ایم. راسل آلن Russell Allen در مصاحبه مورخ 29 ژانویه 2011، خبر های جدیدی از آلبوم جدیدشان Iconoclast داد. به گفته او تقریباً همه چیز در مراحل نهائی شان برای انتشار آلبوم میباشد. در مقایسه با آلبوم 2007، Paradise Lost، Iconoclast صدای گیتار کمی متفاوت است. این آلبوم شاید هیجان انگیز ترین و احساسی ترین کار گروه باشد. سرشار از ریف های گیتار است. موسیقی هوی Heavy با آوازی خیلی ملودیک ترکیب شده اند. بند ها و کورس های شعر ها واقعاً قوی هستند و راسل نیز با شدت خاصی میخواند چرا که عنوان آلبوم نیز تاریک و غمگین است. قابل ذکر است که این آلبوم خیلی قدرتمند است، اما با این حال، یک ترک خیلی لایت از آب درآمده. این تضاد حس آلبوم -Paradise Lost را القا میکند و شاید بگوئید یک بالاد است! او اضافه کرده که Iconoclast برگشتی است به فضای اولیه متال، و کار گروه نیز، آنطور که میدانید، دادن جهتی نو به آن است.

او در جواب به ایده پشت شعرهای آلبوم گفت که اساساً بر پایه نظری است ماشین ها بر همه چیز مسلط شده اند و تکنولوژی جامعه را به زوال میکشانند. همه آهنگ ها همین تم را دارند، اما لزوماً از شخصیت های واحد و رویه ثابت روایت داستان برخوردار نیست. این آلبوم تم های The Dark Side of the Moon (Pink Floyd) را از زمان، مرگ و ... را شامل میشود. بنابراین Iconoclast مانند Odyssey داستان وار نیست.

Symphony X، آوریل و می، در آمریکای شمالی تور برگزار خواهد کرد. از آلبوم 2007 این گروه 60.000 کپی در آمریکای شمالی به فروش رفت. Symphony X سال 1994، در نیو جرسی شکل گرفت و 7 آلبوم را منتشر کرده به اضافه یک آلبوم لایو/زنده.



آلبوم جدید Hammerfall

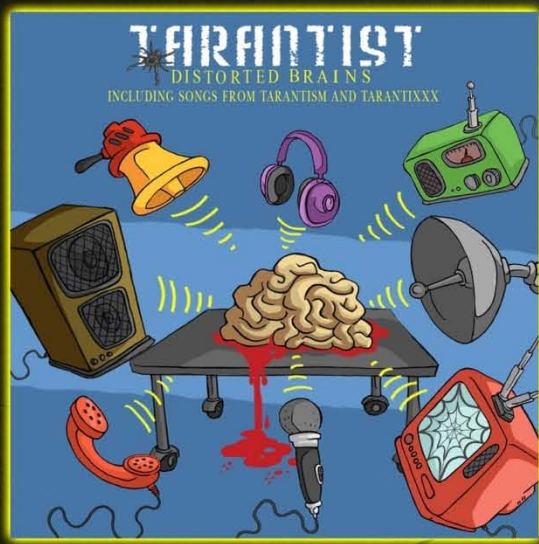
20 می 2011، Hammerfall، گروه هوی متال، آلبوم Infected را از طریق Nuclear Blast Records منتشر خواهد کرد. این آلبوم 11 ترک دارد که پخش محدود اولیه آن شامل DVD رایگان است که 5 ویدئو از این آلبوم را در خود دارد. اسامی ترک ها عبارتند از:

Patient Zero
Bang Your Head
One More Time
The Outlaw
Send Me A Sign
Dia De Los Muertos
I Refuse
The Enemy Within - 666
Immortalized
Let's Get It On
Redemption



منابع:

Rocksound.com
Rollingstone.com
Roadrunnerrecords.com/blabbermouth.net
MetalSludge.tv



www.TarantisT.com

TARANTIST

DISTORTED BRAINS

INCLUDING SONGS FROM TARANTISM AND TARANTIXXX



مغزهای مغشوش
منتخبی از بهترین آثار تارانتیست
در ایران منتشر شد!!!

W W W . Z U R V A N R E C O R D S . C O M



RATIONALISM

خردگرایی

برجسته ترین آلبوم
تکنیکال در سبک
ملودیک دث متال در ایران



WWW.MYSPACE.COM/QUTIN

W W W . Z U R V A N R E C O R D S . C O M



DARK LEADER
Immortal Land



SAMAVAYO
One Million Things



POINT OF DEATH
Dirty Past

W W W . Z U R V A N R E C O R D S . C O M



WWW.ZURVANRECORDS.COM



THE FIRST EXCLUSIVE ROCK AND METAL MAGAZINE IN IRAN

WWW.DIVANMAGAZINE.COM